

کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

صفحه ۸

گفتگوی سوزی وایزمن با منصور حکمت

سوسیالیسم و جهان پس از جنگ سرد

Vol. 2, No. 20, December 1991

سال دوم، شماره ۲۰، آذر ۱۳۷۰

بدنبال یورش جمهوری اسلامی به کارگران

عده‌ای از فعالین جنبش کارگری سندج دستگیر شدند

در بزرگترین اعتصابات تاریخ آفریقای جنوبی

میلیونها کارگر علیه افزایش مالیاتها



مرکز خبری کارگر امروز: پس از دستگیرهای وسیع فعالین کارگری در سندج که طی دو سال گذشته متناوبا ادامه داشته، از تابستان امسال جمهوری اسلامی مجددا تعقیب و دستگیری فعالین کارگری را در این شهر گسترش داده و از جمله دو کارگر را بنامهای سعید حسینی و زاهد منوچهری دستگیر کرده است.

به گزارش حزب کمونیست ایران، رژیم اسلامی این دو کارگر را که در مرداد ماه گذشته دستگیر شده‌اند، ممنوع الملاقات کرده است و از دادن هرگونه اطلاعاتی درباره وضع سلامتی آنان خودداری می‌کند.

کمیته حقوق بشر اتحادیه کارگران اتومبیل ساز کانادا:

اعتراض شدید به نقض حقوق کارگران ایران

این گزارش ضمن اظهار نگرانی از خطراتی که جان سعید حسینی و زاهد منوچهری را تهدید می‌کند، از تشکلهای کارگری خواسته است که برای جلوگیری از اعمال خشونت علیه این دو کارگر زندانی، جمهوری اسلامی را تحت فشار گذارند و برای آزادی آنها فعالیت کنند.

رژیم کمونیست ایران، مرداد ماه گذشته دستگیر شده‌اند، ممنوع الملاقات کرده است و از دادن هرگونه اطلاعاتی درباره وضع سلامتی آنان خودداری می‌کند.

رئیس کمیته حقوق بشر این اتحادیه امضا شده آمده است: می‌خواهم نگرانی عمیق خود را از مشکلاتی که طبقه کارگر در ایران هر روزه با روبرو است ابراز کنم. ما بعنوان کارگران کانادا نقض حقوق کارگران در ایران و سیاستهای ضد کارگری دولت شما را شدیداً محکوم می‌کنیم.

مرکز خبری کارگر امروز: کمیته حقوق بشر اتحادیه کارگران اتومبیل سازی کانادا بخش ۲۷ در ماه نوامبر طی یک نامه اعتراضی به نمایندگان جمهوری اسلامی در کانادا حمایت خود را از کارگران ایران اعلام داشت و سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی را محکوم کرد. در بخشهایی از این نامه که توسط صبحی الوان

پایان اعتصاب ۱۹ روزه کارگران رنو در فرانسه

همچون بیشتر جنبش‌های اعتصابی در فرانسه با مطالبه افزایش دستمزد ۱۵۰۰ فرانک در ماه شروع شد. مطالبه دیگر اعتصاب پرداخت باقیمانده پاداش مشارکت در سود کارخانه بود. نارضایتی در میان کارگران این کارخانه به حدی بود که به گفته یکی از کارگران اعتصابی ابتدا این کارگران بودند که اتحادیه را به جلو راندند و نه برعکس.

مرکز خبری کارگر امروز: اعتصاب کارگران کارخانه رنو در "کلون" که روز ۱۷ اکتبر آغاز شد و بمدت ۱۹ روز بعنوان یکی از مهم ترین وقایع داخلی فرانسه رسانه‌های گروهی و رادیو تلویزیون ها را بخود مشغول کرده بود، با دخالت نیروهای پلیس پایان یافت. به گزارش "سارا اصلانی" خبرنگار کارگر امروز در فرانسه، این اعتصاب

اعتصاب صدها هزار کارگر یونان علیه دولت

به گزارش تایمزمالی، اعتصاب ۷ نوامبر، خدمات عمومی، ترانسپورت سراسر کشور، بیمارستانها، و مدارس را در بر گرفت و پروازهای هواپیمایی دولتی کشور با تاخیر انجام شد. کارکنان بانکها در حمایت از اعتصاب دست از کار کشیدند و کارمندان

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۷ نوامبر، صدها هزار کارگر علیه سیاست ریاضت کشی دولت دست به اعتصاب عمومی یکروزه زدند. روز ۴ دسامبر نیز کارگران برق و مخابرات در اعتراض به فروش کمپانی‌های دولتی اعتصاب ۴۸ ساعته خود را آغاز کردند.

گفتگو با آنجلو استولانو: فعالین اتحادیه ترانسپورت

پیرامون اعتصاب کارگران ترانسپورت تورنتو کانادا

مرکز خبری کارگر امروز: روزهای ۴ و ۵ نوامبر، میلیونها نفر در آفریقای جنوبی در اعتراض به سیاست اقتصادی دولت مبنی بر برقراری ۱۰ درصد مالیات غیرمستقیم اعتصاب کردند. به گفته اتحادیه‌های کارگری این بزرگترین اعتصاب عمومی در تاریخ این کشور است.

به گزارش تایمزمالی، "کنگره اتحادیه‌های آفریقای جنوبی" (کوساتو) که بزرگترین فدراسیون اتحادیه‌ای است اعلام کرد که بین ۳ تا ۴ میلیون نفر یعنی بین ۷۰ تا ۸۰ درصد نیروی کار در صنایع، ۹۰ - ۶۰ درصد در معادن در اعتصاب شرکت کردند و تولید در صنایع اتومبیل سازی نیز به حالت رکود درآمد. در طی درگیریهای اولین روز اعتصاب ۱۵ کارگر معدن طلا جان خود را از دست دادند. روز ۱۱ نوامبر پلیس آفریقای جنوبی اعلام کرد که ۲۰ معدنی دیگر نیز در ادامه درگیری‌ها کشته شدند.

این اعتصاب به فراخوان "کنگره ملی بقیه در صفحه ۵"

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

تشکیل شورای اسلامی پشت در پالایشگاه گاز

مسئول اداره کار ما وظیفه داریم در همه واحدها شورای اسلامی تشکیل بدهیم

اسلامی قانونیت می‌دهد، جلوگیری کرد و در نتیجه انتخابات در پشت در پالایشگاه برگزار شد. مسئول ستاد انتخاباتی به روزنامه مذکور گفت: ما بر حسب وظیفه باید در همه واحدهای صنعتی شورای اسلامی تشکیل بدهیم و در این واحد هم علیرغم همه مخالفتها انتخابات برای تشکیل شورا برگزار شد. این اولین بار است که در یک پالایشگاه گاز شورای اسلامی تشکیل می‌شود. چندی پیش نیز شورای

کارگران شرکت مصالح ساختمانی پرجلا:

این است آن عدالت اجتماعی که وعده میدادید!

خواهد بود. این کارگران که در آبانماه امسال با روزنامه کار و کارگر ناشر افکار شوراهای اسلامی گفتگو می‌کردند به فقدان مسکن و بهداشت و نبود حداقل امکانات زندگی در مناطق کوره پزخانه‌های اطراف تهران اعتراض کردند.

مرکز خبری کارگر امروز: گروهی از کارگران شرکت "پرجلا"، تولید کننده آجر و مصالح ساختمانی واقع در اطراف تهران، ضمن انتقاد شدید از پایین بودن دستمزدها و گرانی سرسام آور به دولت اخطار کردند که عواقب این بی‌توجهی مسئولین نسبت به مسائل کارگران خطرناک

تصویر تکان دهنده است: در فاصله دوری از جاده اصلی، در شهرک "چاکیا" واقع در غرب استان "برادش" هندوستان در کلبه‌های حقیری داربستهای عظیم فرشهایی برپاست.

بهای گران

فرشهای ارزان

خرید و فروش کودکان

در صنعت فرش هندوستان

تلخیص شده از: نشریه فرانکفورتر روندشاو، چاپ آلمان

بقیه در صفحه ۲

گفتگو با ابراهیم صادقی و فهمیه یزدان پرست دون از فعالین جنبش کارگری ایران

پیرامون مسائل جنبش کارگری ایران

معاون وزیر کار:

کارگران سهام دریافتی را زود بفروشند

مرکز خبری کارگر امروز: عجایی معاون وزیر کار طی گفتگویی با روزنامه کار و کارگر در آبانماه گذشته از کارگران خواست تا سهام خریداری شده از کارخانهها را زود بفروشند، بگویند تا از این طریق در مالکیت کارخانه سهام شوند و در تصمیم گیریهای آن واحد شرکت کنند. متذکر می شود که یکی از اهداف فروش سهام به کارگران که با تصمیم اخیر دولت جمهوری اسلامی مبنی بر فروش ۳۳ درصد سهام به کارکنان مجددا رونق گرفته، ایجاد توهم مالکیت در کارگران است. اما در عمل غالب کارگران فاقد توانایی مالی برای خرید سهام هستند و یا ترجیح می دهند بلافاصله آنرا با قیمتی بالاتر بفروشند. برخی از کارگران نیز عنوان واسطه شرکتها و افراد خریدار سهام

چهارمین کنگره شوراهای اسلامی برگزار شد

مرکز خبری کارگر امروز: چهارمین کنگره سراسری شوراهای اسلامی کار با شرکت حدود ۷۰۰ نفر از اعضای شوراهای اسلامی در تهران برگزار گردید و در ۲۵ مهر ماه گذشته با انتخاب افرادی بعنوان کانون عالی شوراهای اسلامی، هیات نظارت بر سازمان تامین اجتماعی، شرکت کنندگان در کنفرانس بین المللی کار، اعضای شورایی کار و چند

اتحادیه امکان هم کارخانه دار شد

هر ماه بخشی از دستمزد یک تا دو میلیون کارگر، برای هر نفر ۷۰۰ تومان، به حساب اتحادیه امکان واریز می گردد تا به مصرف تامین کالاهای ضروری مورد نیاز کارگران (بن کارگری) بپردازد. اما در کنار شکایت گسترده کارگران از وخامت روز افزون بن کارگری، سرمایههای اتحادیه امکان دائما رشد کرده است. اتحادیه امکان که در اساس واحدی برای

مرکز خبری کارگر امروز: اتحادیه امکان، که از محل مبالغ بن کارگری سرمایههای سرشاری به هم زده است، کلنگ احداث اولین کارخانه اش را که بزرگترین کارخانه تولید ماکارونی است در مهرماه گذشته در تبریز و با حضور علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر و رئیس مجمع اتحادیه امکان بر زمین زد.

کارگران شرکت مصالح ساختمانی پر جلا:

گناه من اینست که کارگرم و با شرافت کار میکنم

مردم محروم رسیدگی کنید. - همانطور که برادرمان خدمتتان گفت ما اینجا در بدبختی و بی بهداشتی زندگی می کنیم... اهالی منطقه شدیداً نگران سلامت خود و فرزندانشان هستند. اگر بیماری به سراغ آنها بیاید اولاً قادر به پرداخت هزینههای سنگین درمانی آن نیستند و ثانیاً مرکز درمانی مجهز و کاملی هم وجود ندارد که بیماری آنها را درمان کند. من ده سر عاقله دارم و با این حقوق و این گرانی کمر شکن نمی توانم گذران کنم. چرا مسئولین اجازه می دهند سرمایه داران و بازار هر بلایی سر مردم بیاورند. مگر خود آنها در این مملکت نیستند. و یا شاید مسئولین اصلاً از گرانی و دردهای مردم مطلع نیستند. که اگر واقعا نباشند آتوق است که ما خودمان باید فکری به حال این کارگران کوربهزخانه از مسئولین می خواهم بیشتر به درد جامعه رسیدگی کنند و بی توجه از کنار مشکلات کارگران نگذرند که عواقب آن خطرناک خواهد بود.

- من روزانه ۱۲ ساعت کار می کنم و عمر و سلامتی خود را از بین می برم و در آخر ماه نزدیک به چهار هزار تومان بابت بیمه و مالیات از حقوقم کسر می کنند. اما اصلاً راضی نیستم. نه از میزان کسورات و نه از نحوه خدمات سازمان تامین اجتماعی.

- سه سال سابقه کار دارم و ماهیانه هفت هزار و پانصد تومان حقوق دریافت می کنم که مقداری از آن

اغتشاش در جلسه تعاونیهای مسکن کارگران تهران

اعتراض ترک کردند و سخنران مجبور به قطع سخنرانی خود گردید. روزنامه کار و کارگر، ناشر افکار خانه کارگر جمهوری اسلامی، علت این اعتراض را "یکی نبودن موضوع سخنرانی آقای عجایی با موضوع گردهمایی" ذکر کرد. در این گردهمایی از تهدید آمیز بودن مشکل مسکن صحبت شد و از اینکه تعاونیهای وابسته به اسکان کاری نتوانسته اند انجام دهند.

اعتراض شدید به نقض حقوق کارگران ایران

بقیه از صفحه اول: ما قانون کار وحشیانه ایران را که با طبقه کارگر بمثابه بردگان رفتار می کند و حق آنها در دست از کار کشیدن برای کسب مزد عادلانه و شرایط کار بهتر برسمیت نمی شناسد محکوم می کنیم. ما از دولت ایران می خواهیم به نقض دائمی حقوق برسمت شناخته شده کارگران در سطح بین المللی پایان

آن بابت بیمه و مالیات می رود. آیا این انصاف است که ما با هزار بدبختی و کار طاقت فرسا شش هزار تومان بگیریم و آتوق گوشت کیلویی ۳۵۰ تومان باشد؟ مگر بچههای ما انسان نیستند که نباید میوه بخورند؟ مگر ما انسان نیستیم که نباید بهداشت داشته باشیم و غذای خوب بخوریم؟ آیا خداوند گفته که همه چیز برای یک عده اقلیت در جامعه باشد و اکثریت از گرسنگی بمیرند چون کارگرند؟ و چون آن آقایان رابطه دارند، پول دارند و راه دزدی را بلدند باید همه چیز داشته باشند. چه کسی گفته که خدا به اینها داده؟ و کجا پیغمبر خدا گفته که اینها باید خون مردم را بکنند و خداوند است را غنی کرده؟ اینها فقط حرفهایی است برای چاپیدن مردم فقیر و محروم که صدایشان در نیاید. وگرنه حضرت علی خودش گفت کاخی ساخته نمی شود مگر هزاران کوش ویران شود.

- من نمی دانم از کدام دردهایمان بنالم. از مسکن، بهداشت، درمان، سختی کار، بی توجهی مسئولین و یا از گرانی که از همه بدتر و خرد کننده تر است؟ نمی دانم این حرفها راه به جایی می برد و یا اینکه ما فقط حرف می زنیم و آقایان کار خودشان را می کنند و به ریش ما مردم محروم می خندند...

- هشت سال سابقه کار دارم و ۹ هزار تومان دریافت می کنم و ۹ سر عاقله دارم که چهار نفر آن دانش آموز هستند. اگر شما باشید چه معجزه ای می کنید که با نه هزار تومان نه سر عاقله را با چهار دانش آموز اداره کنید و تازه کرایه خانه هم بدهید؟ من نمی دانم باید به چه کاری دست بزنم تا بتوانم شکم همسر و بچههایم را سیر کنم. هرچه فکر می کنم گناهی به درگاه خداوند نکرده ام که مستوجب چنان بی توجهی بشوم، جز آنکه کارگر شده ام و شرافتمدانه کار و تولید می کنم.

آقا بخدا ما کارگران راه دزدی را بلد نیستیم، والا مانند آقایان صاحب مال و منال بودیم. و الان هم اینجا نبودیم که نتوانیم در سال یک کیلو میوه برای بچههایمان بخریم. شما از قول ما به مسئولین بگویید این نشد

بقیه از صفحه اول: یکی از کارگران که سابقاً در بندرعباس کارگر کشتی بوده و به علت بیکاری به این منطقه آمده است به خبرنگار روزنامه مذکور گفت: روزی دویست و شصت تومان حقوق می گیرم که از آن مالیات و بیمه هم کسر می شود. با این حقوق زندگی برای من و همسر و دو فرزندمان و امثال ما دشوار است. شما در مسیری که آمدید ملاحظه کردید که مردم این منطقه (حاجی آباد) آب آشامیدنی ندارند و بهداشت کافی وجود ندارد. خطر بیماریهای مسری و خطرناک بسیار زیاد است و از سویی با مشکل درمان روبرو هستیم که عامل اصلی آن سازمان تامین اجتماعی است. هیچ مسئولی نیست که به عملکرد این سازمان رسیدگی کند. مگر پولی که نزد این سازمان است از روی هوا آمده است که هر جا دلشان خواست خرج کنند و به نورچشمی هایشان قرض بدهند. آقا صدای این مردمی که پناه ندارند را به گوش آتپایی که راحت می خوابند، راحت می خورند و راحت می پوشند برسانید که کمی هم فکر مردم باشند. مسئول هستید، که باشید. مگر شما از ما بیشتر زحمت می کشید که در ناز و نعمت زندگی می کنید و بچههایتان هرروز لباس نو می پوشند و بچههای ما در سرمای زمستان بدون لباس گرم باید زندگی کنند. شاید این همان عدالت اجتماعی است که شما نویدش را می دادید. خداوند شما را به راه راست هدایت کند تا بلکه کمی به

مراکز فروش کارگر امروز

انگلستان Collets International 129-131 Charing Cross Rd London WC2H 0EQ	سوئد Videopress Hälsöbergsgatan 5 Stockholm Pressbyrå Stockholm Central Station, Stora Hallen Gatuplan Bokhandeln Röda Rummet Drottning gatan 100 111 80 Stockholm Tel: 08-114210 International Press Södergatan 20 203 12 Malmö	دانمارک Spare Liner Stororget 21 Malmö I.F.R. Davidhallagatan 23 211 45 Malmö Tel: 040-118230 Röda Stjärnan Bokhandel Fjärde Långgatan 8 B Göteborg Sällskapslokalen Kungälv Skollevand Delikatess Göteborg Röda Rummet Bokhandel Storgatan 15 Göteborg	اتریش - وین Karl Winter OHG Buchhandlung Landesgerichts str. 20 Kniplplatz Passage Lokal 14 U2 Station Meinlhofer str. Zeitschriftenladen Flohmarkt: Jeden Samstag Tasvir Gallery 18154 Sherman Way Redwood, CA 91335	آلمان Demos Butikken Elmögade 27 2300 København Tel: 779223 Zambon-Verlag Leipziger str. 24 6000 Frankfurt 80 Tel: 779223 Heinrich-Heine Buchhandlung Schüter str. 1 2000 Hamburg 13 Buchladen Oster str. 158 2000 Hamburg 20	فرانسه Wagram Ch. de Gabelle-Etoile کوسک
---	---	--	---	---	--

ISSN 1101-3516

کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری
WORKER TODAY
An International Worker's Paper

سردبیر: رضا مقدم

Editor: Reza Moqaddam

Bank Account: حساب بانکی
5201-3306202
S.E. Banken
Stockholm, Sweden

Address: آدرس
W.T.
Box 6278
102 34 Stockholm
Sweden

اروپا: یکساله ۱۲۰ کرون سوئد - ششماهه ۷۰ کرون سوئد
دیگر کشورها: یکساله ۱۸۰ کرون سوئد - ششماهه ۱۰۰ کرون سوئد
- بها برای موسسات دو برابر قیمتهای فوق است (تمام قیمتها با محاسبه هزینه پستی است)

فرم آبونمان

مایلیم نشریه کارگر امروز را مشترک شوم. یکساله شش ماهه
لطفا نشریه و صورت حساب را به آدرس زیر برایم ارسال کنید:

Mr/Ms/Institution _____
Address _____
Postcode _____ City _____ Country _____

فرم پرشده را به آدرس کارگر امروز ارسال کنید
W.T.
P.O. Box 24142

کارگاه امروز

چندتن از رانندگان کامیون در گفتگو با نشریه صنعت حمل و نقل

چرا از تشکیل سندیکا یا اتحادیه رانندگان میترسند؟

اتحادیه بین‌المللی حمل و نقل جاده‌ای "ایرو" در فصل پائیز هر سال میلادی طی مراسمی رانندگان ممتاز کامیون های سنگین در خطوط بین‌المللی را انتخاب می کند و به آنها دیپلم افتخار، آرم مخصوص برای نصب روی کامیون و نشان طلا می دهد. بعد از انقلاب تاکنون حدود ۳۰ راننده ایرانی به عنوان رانندگان ممتاز شناخته شده‌اند که انتخاب هشت نفر از آنان مربوط به امسال است. ماهنامه "صنعت حمل و نقل" چاپ تهران، گفتگویی را با سه تن از این رانندگان، علی اسکویی، یوسف افشارپور، عبدالرشید نبی زاده ترتیب داده است که در زیر خواهید خواند.

رانندگان کامیون: جان حاجی راستش را بگو ما را برای چی اینجا فرستادند؟

صنعت حمل و نقل: متوجه منظورتان نشدم.

ر.ک: قبل از این که شما تشریف بیاورید به خودمان می گفتیم نکند این بار هم مثل بقیه کارها می خواهند ما را قلم کنند...

ص.ح.ن: باز هم متوجه نشدم.

ر.ک: به ما گفتند بیائیم اینجا و با مجله شما مصاحبه کنیم. می خواهیم بدانیم این یک کار تشریفاتی است یا که می خواهید واقعا درد و مرض ما را چاپ کنید؟

ص.ح.ن: خودتان چه فکر می کنید؟

ر.ک: ما فکر می کنیم شما جرئت نوشتن حرفهای ما را ندارید؟

ص.ح.ن: شما جرئت گفتنش را دارید؟

ر.ک: فراوان. ولی چایش برای شما دردسر ساز است. البته برای ما هم بی دردسر نیست. چون ممکن است ترورمان کنند. یا بچه‌هایمان را گروگان بگیرند و یا هزاران دردسر دیگر درست کنند. خلاصه اگر جانمان را نگیرند دست کم از نان خوردن می اندازمان. شما هم بی آسیب نمی مانید.

ص.ح.ن: به این ترتیب ظاهرا می خواهید از توطئه پرده بردارید؟

ر.ک: کدام توطئه؟ ما کلامان را سفت نگه داریم که باد نبرد خودش کلی کار است. فقط می خواهیم حرف دلمان را بزنیم. از بدبختی هایمان بگوئیم که نه شما، بلکه آقای وزیر راه، خود سندیکا و خلاصه همه پشت میز نشینها مسائل ما را احساس هم نمی کنند. چه رسد به این که به فکر چاره باشند.

ص.ح.ن: بسیار خوب. در جریان بحث و گفتگو، شما مسائلتان را بگوئید. ما هم قول می دهیم چاپش کنیم. پاداباد! حالا بگوئید چطور شد دیپلم افتخار گرفتید؟

ر.ک: نمی دانیم. شاید به این علت که راست رفتیم، راست آمدیم. ص.ح.ن: مگر یک سازمان بین‌المللی برای این کار به کسی دیپلم افتخار می دهد؟

ر.ک: لابد آنقدر حساب و کتابشان درست است که می دهند. اینجا نیست که از راست و چپ بزنند توی سرمان.

ص.ح.ن: طبق ضوابط "ایرو" شما به عنوان رانندگان نمونه ایران شناخته شده‌اید. این ضوابط چیست؟

ر.ک: بیشتر سادگی. حساب اینجاست که همه چیز ما رو راست است. هیچ چیز پشت پرده نداریم! آهسته می رویم، آهسته می آئیم تا گریه شاخمان نزنند. ساده لوح بودن که ضایعه نمی خواهد.

ص.ح.ن: این طور که از حرفهایتان پیداست دریافت این دیپلم هیچ شوق و انگیزه‌ای در شما به وجود

برایمان ارزش ندارد. نه این که ما بخواهیم آنها را بی ارزش کنیم، بلکه سیستم حمل و نقل و مدیریت این سیستم اساسا به کار سالم و درست بهای زیادی نمی دهد. اگر یک سازمان بین‌المللی تشخیص می دهد که ما رانندگان سالمی هستیم و برای این کار دیپلم افتخار می دهد، چرا این تشخیص در مدیریت حمل و نقل کشور ما وجود ندارد؟ هر سال کارگر نمونه، معلم نمونه، مادر نمونه و انواع نمونه‌ها در این کشور انتخاب می شوند. ولی هیچوقت نشده راننده نمونه معرفی شود. مگر ما راننده سالم کم داریم؟ همه که خلافکار نیستند. اگر می بینیم بسیاری از رانندها برای تامین زندگی خود درآمدهای بیشتر از راه خلاف را به گرفتن اینگونه دیپلمها از راه درست ترجیح می دهند به این علت است که دوغ و دوشاب نزد مدیریت حمل و نقل کشورمان یکی است.

ص.ح.ن: بهرحال یادمان باشد کار سالم هم ارزش اجتماعی دارد. داشتن اینگونه دیپلمها - آنهم از طرف سازمان بین‌المللی - می تواند موجب افتخار خیلی از رانندگان باشد.

ر.ک: کدام ارزش اجتماعی؟ اگر این دیپلمها را پشت شیشه کامیوتان نصب کنید، بنظر شما رفتار پلوس رام ژاندارمری یا بدبین آن نسبت به رانندگان و یا حتی راننده‌ای که این دیپلم را گرفته فرق خواهد کرد؟ یا معاوت حمل و نقل جاده‌ای بخاطر این دیپلمها لاستیک مطابق نیاز آنها می دهد؟ یا شرکتهای حمل و نقل تعداد بیشتری دوزبلاغ (مجوز عبور از ترکیه) در اختیارشان می گذارد؟ آیا همین سندیکای حمل و نقل دارندگان این دیپلمها را کمتر خواهند دوشید؟ اگر دچار حادثه شود با کمک این دیپلم می تواند کمر راست کند؟ بخدا هیچکدام.

ص.ح.ن: در خارج با رانندگانی که این دیپلمها را دارند چگونه برخورد می شود؟

ر.ک: محترمانه. خیلی محترمانه. هر راننده‌ای با داشتن آن در جاده‌های اروپا احساس اعتماد به نفس می کند. ماموران کامیونهایشان را نمی گردند. به آنها مشکوک نمی شوند. ولی چه فایده از نظر هزینه‌ها باز هم همان آتش و همان کاسه است.

ص.ح.ن: منظور کدام هزینه‌هاست؟

ر.ک: هزینه‌های بین راهی. برای یک سرویس پار تا اتریش کلا ۶۵۰۰ مارک به ما می دهند. در حالی که خودشان می دانند دست کم حدود ۴ هزار مارک باید گازوئیل بزنیم. بیش از هزار مارک حق عبور و عوارض دیگر بدهیم. چپ و راست عوارض مختلف از ما می گیرند. بخصوص در ترکیه راننده‌های ایرانی را به شکلهای مختلف می دوشند. پاکس، پاکس سیگار و کادوهای مختلف می خواهند. در بلغارستان علاوه بر حق عبور مبلغی هم برای مستمندان از رانندگان می گیرند. موقع رفتن از اینجا حتی المقدور همه لوازم و مواد خورد و خوراکمان را با خود می بریم. نان لواش، برنج، روغن، نخود، لوبیا، انواع کنسرو. در طول راه کار ما شده پخت و پز. خیلی که صرفه جوئی کنیم در بازگشت کمتر از ۱۰۰۰ مارک برای ما می ماند. از این مبلغ باید ۳۰ هزار تومان به سندیکا بدهیم.

ص.ح.ن: مگر شما سندیکا دارید؟

ر.ک: ما نداریم. منظور سندیکای شرکتهاست.

ص.ح.ن: یعنی سندیکای شرکتهای حمل و نقل بین‌المللی؟

ر.ک: بله، فکر می کنیم.

ر.ک: شرکتی که برایش کار می کنیم می گوید سندیکا نامه داده است. تا این پول از رانندگان گرفته شود.

ص.ح.ن: نامه سندیکا را دارید؟

ر.ک: نه نداریم.

ص.ح.ن: آن را دیده‌اید؟

ر.ک: نه.

ص.ح.ن: پس از کجا مطمئنید سندیکا این پول را می گیرد؟

ر.ک: مدیر شرکت می گوید. (در این موقع موضوع به وسیله تلفن با مدیر شرکتی که این رانندگان در آن کار می کنند در میان گذاشته شد. مدیر شرکت اعتراض داشت که رانندگان نباید در این مورد گفتگو می کردند. او که معتقد بود رانندها را فقط برای صحبت درباره دیپلمشان به دفتر ماهنامه فرستاده است گفت: "اگر قرار بود قلمرو بحث به مسائل دیگر کشیده شود. بهتر بود ماهنامه با رانندگان دیگر صحبت می کرد. او تایید کرد که براساس بخشنامه سندیکا، همه شرکتهای عضو کارمزد خود را بر مبنای مسیر حمل از رانندگان می گیرند. کرایه ارزی مصوب رفت و برگشت تا اتریش ۲۲۰۰ مارک است. از این مبلغ ۶۵۰۰ مارک به راننده داده می شود و ۷۰۰ مارک هم به عنوان هزینه‌های ارزی کارگزاری به شرکت حمل و نقل تعلق می گیرد. به این ترتیب معلوم شد شرکتهای حمل و نقل همه کارمزد ریالی خود را بجای صاحب پار از رانندها دریافت می کنند. مدیر شرکت معتقد بود سیاستگذاریهای جدید حمل و نقل جاده‌ای بین‌المللی موجب دگرگونیهای تازه در دریافت و پرداخت کرایه‌ها شده است و بده بستانهای ناسالم در کار حمل و نقل نیز از همین سیاستگذاریها ناشی می شود.)

ص.ح.ن: همانگونه که پیش بینی می شد پولی که شما می پردازید

ص.ح.ن: هم‌انگونه که پیش بینی می شد پولی که شما می پردازید

ص.ح.ن: هم‌انگونه که پیش بینی می شد پولی که شما می پردازید

ص.ح.ن: هم‌انگونه که پیش بینی می شد پولی که شما می پردازید

ص.ح.ن: هم‌انگونه که پیش بینی می شد پولی که شما می پردازید

ص.ح.ن: هم‌انگونه که پیش بینی می شد پولی که شما می پردازید

ص.ح.ن: هم‌انگونه که پیش بینی می شد پولی که شما می پردازید

ص.ح.ن: هم‌انگونه که پیش بینی می شد پولی که شما می پردازید

ص.ح.ن: هم‌انگونه که پیش بینی می شد پولی که شما می پردازید

ص.ح.ن: هم‌انگونه که پیش بینی می شد پولی که شما می پردازید

ص.ح.ن: هم‌انگونه که پیش بینی می شد پولی که شما می پردازید

ص.ح.ن: هم‌انگونه که پیش بینی می شد پولی که شما می پردازید

ص.ح.ن: هم‌انگونه که پیش بینی می شد پولی که شما می پردازید

ص.ح.ن: هم‌انگونه که پیش بینی می شد پولی که شما می پردازید

ص.ح.ن: هم‌انگونه که پیش بینی می شد پولی که شما می پردازید

کارمزد شرکتی است که در آن کار می کنید. منتها مبلغ آن را سندیکا تعیین کرده است.

ر.ک: سندیکا مگر از کیسه خلیفه می بخشد؟ قبلا برای این کار ۵ هزار تومان می دادیم. الان هم راننده‌های شرکت حمل و نقل جمهوری اسلامی ۱۵ هزار تومان می دهند. ما چرا باید ۳۰ هزار تومان بدهیم؟ مگر سندیکا خود را در مقابل کدامیک از مسائل ما رانندگان مسئول حس می کند؟ یکی از رانندگان همین شرکت در اتریش ۱۰۰۰ مارک داده گیربکس کامیونش را پیاده کرده‌اند. حالا ۵ هزار مارک می خواهند تا آن را بالا ببرند. همین رفیقمان (اشاره به آقای افشارپور) ۳ ماه پیش در آلمان تصادف کرد. دستش شکست، داخل پایش هم میله گذاشته‌اند. الان که آمده ایران ۱۲ هزار مارک برایش صورتحساب بیمارستان فرستاده‌اند. چه کسی در مقابل پرداخت این پول مسئول است؟ او که برای گردش و تفریح به آلمان رفته بود. رفته بود پار این مملکت را بیاورد. سندیکایی که بخشنامه می کند از رانندها ۳۰ هزار تومان بگیرند اصلا از این مسائل اطلاع دارد؟

ص.ح.ن: چرا این مسائل را منعکس نمی کنید؟

ر.ک: کجا منعکس کنیم؟ اصلا مگر کسی ما رانندها را داخل آدم حساب می کند که بخواهد به حرفهایمان گوش بدهد؟

ص.ح.ن: این طرز فکر چندان درست نیست. نشانهایی هست که به این گونه مسائل رسیدگی شده. حتی دیده شده تعدادی از شرکتهای حمل و نقل بخشی از خسارت رانندگان خود را جبران کرده‌اند. معاوت حمل و نقل جاده‌ای هم، تا آنجا که امکانات و اختیارات اجازه می داده، در این مورد کمک کرده است.

ر.ک: کی؟ کجا؟

ص.ح.ن: دست کم چند موردش در ماهنامه منعکس شده است.

ر.ک: ما که ندیدیم.

ص.ح.ن: شما ماهنامه را می خوانید؟

ر.ک: قبلا بله، ولی حالا نه.

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

مسائل خودتان را با اطلاعات دقیق مطرح کنید.

ر.ک: چشم. اطلاعات می شود. اینطور که معلوم است انکار داریم خواب و خیال برای شما تعریف می کنیم. مثلا در خواب می بینیم که بمب بنزینهای بین راه گازوئیل ندارند. در مرز بازرگان هم بعد از یک شبانه روز نوبت ۲۰۰ لیتر بیشتر نمی دهند. چون باید به بقیه هم برسد. ولی از آنطرف افراد ریز و درشت گالنه‌ای ۲۰ لیتری گازوئیل را روی کولشان گذاشته‌اند و هر کالن را ۹۰۰ تومان به رانندگان می فروشند. از راه و ترابری بپرسید که اینها خواب و خیال است یا واقعیت دارد؟

ص.ح.ن: چرا خودتان موضوع را نمی گوئید؟

ر.ک: چرا نمی گوئیم؟ اول راهمان بدهند. بعد حرفهایمان را بزنیم.

ص.ح.ن: مگر قرار است با کارت دعوت راهتان بدهند؟ به سازمان مورد نظر حرفهایمان را بزنید. راننده‌های بسیاری موفق شده‌اند مسائلتان را حتی با وزیر راه و ترابری مطرح کنند.

ر.ک: بخدا یا دل‌تان خوش است. یا خیلی خوشبین هستید.

ص.ح.ن: شما مراجعه کرده‌اید و راهتان نداده‌اند؟

ر.ک: چرا نکرده‌ایم. خیلی. یا راهمان نداده‌اند و یا اگر هم داده‌اند نتیجه‌ای نگرفته‌ایم.

ص.ح.ن: آنجا که راهتان داده‌اند چه پاسخی گرفته‌اید؟

ر.ک: پاسخ از پیش آماده شده. آنقدر گوششان از مسائل ما پر است که یک پاسخ برای همه دارند. خیلی ناراحتید؟ بار خارج نزنید. مجبور نیستید. لابد یک چیزی هست که دوست دارید بپروید.

ص.ح.ن: فرض کنید الان آقای وزیر راه و ترابری دارند به حرفهای شما گوش می دهند. عمده‌ترین مسائلتان چیست؟ با ایشان مطرح کنید.

ر.ک: آقای وزیر خودش بهتر از همه با مسائل ما آشناست.

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

ص.ح.ن: بهرحال پیشنهاد می کنم

اطلاعیه

اعلام موجودیت حزب کمونیست کارگری ایران

با این اطلاعیه تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران و آغاز فعالیت آنرا اعلام میکنیم.

حزب کمونیست کارگری یک حزب مارکسیستی و متعهد به سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر برای برچیدن نظام سرمایه داری و برپایی جامعه‌ای نوین مبتنی بر برابری اقتصادی و اجتماعی، آزادی سیاسی انسانها و شکوفایی خلاقیت های مادی و معنوی بشری است.

حزب کمونیست کارگری ایران یک حزب انترناسیونالیست است و برای همبستگی بین المللی طبقه کارگر تلاش میکند. حزب کمونیست کارگری برای تحقق اهداف جهانی طبقه کارگر مبارزه میکند و دفاع از منافع کارگران جهان را وظیفه خود میداند.

در شرایط متحول جهان امروز و در برابر هجوم فکری و سیاسی سرمایه داری جهانی به آرمان و اندیشه سوسیالیستی، که با سقوط سوسیالیسم کآدب بلوک شوروی وارد مرحله جدیدی شده است، حزب کمونیست کارگری ایران دفاع از مارکسیسم و آرمان سوسیالیسم کارگری را یک وظیفه اساسی خود میداند و برای تقویت و گسترش جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در سطح جهانی میکوشد.

در ایران، حزب کمونیست کارگری برای تبدیل طبقه کارگر به یک نیروی قدرتمند اجتماعی و سیاسی، استقرار حکومت کارگری و تحقق برنامه اقتصادی و سیاسی سوسیالیسم کارگری مبارزه میکند. سرنگونی جمهوری اسلامی یکی از ملزومات اولیه تحقق این اهداف است.

حزب کمونیست کارگری ایران کارگران کمونیست و مبارزان راه سوسیالیسم کارگری را به پیوستن به صفوف خود فرا میخواند.

۳۰ نوامبر ۱۹۹۱

ایرج آذرین - منصور حکمت - کورش مدرسی - رضا مقدم

حزب کمونیست کارگری ایران طی اطلاعیه‌ای در تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۹۱ موجودیت خود را اعلام کرده است. بدنبال صدور این اطلاعیه، موسسین حزب در روز اول دسامبر در نشست با حضور عده‌ای از کمونیستهای ایرانی در اروپا به سوالات حاضرین در مورد دیدگاهها، سیاستها و موازین کار حزب کمونیست کارگری ایران پاسخ دادند. متن این سوالات و پاسخها بزودی منتشر خواهد شد.

اولین شماره "انترناسیونال" ارگان مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در ماه ژانویه ۹۲ منتشر میشود.

برای مکاتبه با حزب کمونیست کارگری ایران از آدرس زیر استفاده کنید:

K.K.
Box 14112
400 20 Göteborg
Sweden

نامه

به سردبیر

نامحای که به قصد درج در این ستون ارسال می شوند باید:

- ۱- کوتاه باشند
- ۲- تاپ شده یا کاملاً خوانا باشند
- ۳- چنانچه نویسنده مایل به درج نام خود نیست، تصریح شود تا امضاء محفوظ بماند.

- کارگزاران در انتخاب و تلفظ نامها آزاد است.

بیماری جامعه مدرن سرمایه داری

سردبیر کارگر امروز!

اگر حدس زدید قربانیان بیماری "کاروشی" یا "مرگ ناگهانی" چه کسانی هستند؟ قربانیان این بیماری کشته شده از سن معینی، از جنسیت معینی و یا از نژاد معینی نیستند. این بیماری مسری نیست. این بیماری باعث بالا رفتن فشار خون گشته و عامل سکتهای متعدد مغزی و قلبی و نهایتاً منجر به مرگ قربانی خود می شود. چندین سال است که هرساله بیش از ۱۰ هزار نفر بر اثر ابتلا به این بیماری جان خود را تنها زاین از دست می دهند.

این بیماری جامعه مدرن سرمایه داری حاضر است و مسلماً می تواند حدس بزیند که قربانیانش چه کسانی هستند. متخصصین علم پزشکی معتقدند که علت این بیماری ساعات کار زیاد و فشار بیش از حد ناشی از کار است. این بیماری در ضمن بیماری رو به رشدی در این جامعه هست. در سال ۱۹۶۹ تنها ۱۰ مورد مرگ ناشی از این بیماری به ثبت رسیده است و برآورد می شود

ر.ک: دولت یا سازمانهایی که در این مورد تصمیم گیرنده اند.

ص.ح.ن: چرا فکر می کنید دولت از تشکل صنفی رانندگان می ترسد؟

ر.ک: چه می دانیم. لابد لولو خور خوره ایم.

ص.ح.ن: لطفا نظراتان را روشنتر و صریحتر بگوئید.

ر.ک: خوب، سؤال ما هم همین است چرا باید دولت از تشکل سندیکا یا اتحادیه رانندگان کامیون بترسد؟ مگر فرق ما با رانندگان اتحادیه و وانت بارها، مینی بوس داران، اتوبوس داران، شیشه سازان، خشکیار فروشان، و اتحادیههای مختلف دیگر صنفی روی چه پایه و ضابطه ای تشکیل شده اند، که ما نمی توانیم تشکیل بدهیم؟ مگر قانون تشکیل اتحادیهها و دستورالعمل اجرایی آن برای همه صنفها یکسان نیست؟ چطور می شود که اجرای این قانون برای صنفهای دیگر عملی است ولی برای ما نه؟ مگر اجرای قانون هم یک پیام و دو هوا می شود؟ اگر سندیکا داشتیم از طریق هیئت مدیره خودمان از سندیکای حمل و نقل جادهای سؤال می کردیم که به چه حقی دستور می دهید این پول را از رانندگان بگیرند. ولی الان بخواهیم سؤال کنیم حتی راهمان نمی دهند. اگر سندیکا داشتیم از آقای وزیر راه و ترابری و یا معاونت حمل و نقل جادهای سؤال می کردیم که چطور می شود یک راننده مثل این دوستان (اشاره به آقای نبی زاده) با ۲۷ سال سابقه رانندگی، مورد تأیید سازمان بین المللی "ایرو" بودن و داشتن دیپلم افتخار، شانس یا صلاحیت دریافت کامیون ندارد ولی دیگرانی که دارند کامیون می گیرند، صفر کیلومتر کامیونشان را برای فروش عرضه می کنند؟ این همه کامیونهای نو و صف کیلومتر در نمایشگاهها مال چه کسانی است. اگر سندیکا داشتیم با گزارشهای مستدل به مسئولان می گفتیم که یک راننده اروپایی با چه سطح زندگیای به این کار مشغول است و رانندهای ایرانی چه شرایطی را تحمل می کنند. اگر کامیون یک راننده اروپایی بهر دلیل دچار حادثه شود یا یک تلف: به شرکت صدمه مستقیم

ص.ح.ن: معتمدید آشناست ولی رسیدگی نمی کنند؟

ر.ک: دست خودش نیست.

ص.ح.ن: خوب، به آقای رئیس جمهور بگوئید.

ر.ک: دست آقای رئیس جمهور هم نیست.

ص.ح.ن: نهادهای مختلف و متعددی برای رسیدگی به مسائل مردم وجود دارد: سازمان بازرسی کل کشور، کمیسیون اصل نود. شما می توانید مسائلتان را با این نهادها مطرح کنید.

ر.ک: مسائل ما طلسم شده است. تصور نمی کنیم کسی بتواند این طلسم را بشکند.

ص.ح.ن: چرا چنین فکری می کنید؟

ر.ک: چون شکستن این طلسم چرت و شحات تصمیم گیری می خواهد. تاکنون که کسی یا نهادی حاضر نشده مسئولیت شکستن این طلسم را به تنهایی بر عهده بگیرد.

ص.ح.ن: منظور از طلسم مسائلی است که برشمردید؟

ر.ک: مسائلی را که گفتیم قطره ای در مقابل دریا بود. اگر این طلسم بشکند، آن مسائل هم خود به خود حل می شود.

ص.ح.ن: حالا این طلسم چی هست؟

ر.ک: تشکیل سندیکا یا اتحادیه رانندگان کامیون.

ص.ح.ن: تشکیل سندیکا یا اتحادیه یک مساله داخلی بین خودتان است، ظاهراً قانون آن وجود دارد، ضوابطش هم روشن است. چه ربطی به شهادت تصمیم گیری دیگران دارد؟

ر.ک: شوخی می فرمائید. مساله به این سادگیها هم که می گوئید نیست.

ص.ح.ن: پس مسائلتان را در این مورد بیشتر روشن کنید.

ر.ک: مسئله کاملاً روشن است. سؤال کنید چرا از تشکیل سندیکا یا اتحادیه رانندگان کامیون می ترسند؟

ص.ح.ن: چه کسی می ترسد؟

محل کار را نیز اضافه کرد. فشار مدیریت باعث می شود که کارگران حتی روزهای تعطیل را به کار تن در دهند.

حال حدس بزیند اینجا کجاست؟ در اینجا بر طبق آمار وزارت کارش سالیانه بیش از ۱۰ هزار کارگر تنها در حوادث صنعتی در محیط کار کشته می شوند. بیش از ۵۰ تا ۷۰ هزار کارگر بر اثر ابتلا به بیماریهای ناشی از محیط کار سالیانه جان می سپارند و چیزی حدود ۷۰ هزار نفر سالیانه دچار نقص عضو دائم می شود. در این کشور چریمه کارفرماها برای هر سانحه کاری بطور متوسط معادل ۱۰۰ ساعت حداقل دستمزد قانونی کارگر است. در این کشور در عرض ۲۰ سال گذشته، طبق آمار رسمی ۲۰۰ هزار کارگر در محیط کار بلاواسطه کشته شده اند. نتایج اقدامات حقوقی قضایی این جنایت از این کشور تنها به ۷۴ مورد شکایت رسیدگی کرده است و از این تعداد تنها حکم محکومیت در ۱۵ مورد علیه کارفرماها و مدیریت کارخانجات صادر شده است. و تنها در یک مورد آنهم فقط به مدت ۴۵ روز کسی روانه زندان شده است.

اینجا آمریکاست و کارگران ساختمانی، کارگران کشاورزی و صنایع سنگین اولین قربانیان صدمات کارگری در محیط کار هستند.

اینجا تنها گوشه ای از فجایعی است که هر روزه در جوامع سرمایه داری علیه کارگران صورت می گیرد. ابعاد این فاجعه بیچ وجه کمتر از تلفات فجایعی نیست که اروپایان این جوامع تاکنون بر علیه بشریت برآه انداخته اند. این جنگی است که عاملینش در دادگاههای جنایی بجرم کشتار انسانهای زحمتکش محاکمه نمی شوند، چرا که مبنای این جامعه

جمع و جور کردن آن را از خود دور می کند و می رود هتل برای استراحت تا کامیونش درست شود. همه این کارها را شرکت انجام می دهد. راننده اروپایی زیر پوشش انواع و اقسام بیمه و حمایتهای مختلف است. ولی راننده ایرانی از همه چیز محروم. مجبور است همایش زور بشنود. دولت زور می گوید، سندیکای حمل و نقل زور می گوید، پمپ بتزین زور می گوید، گمرک بازرگان زور می گوید، ما که اینجا نشستیم در طول عمرمان پایمان هم به کلاکتری نرسیده، هیچ پرونده منفی هم در هیچ کجا نداریم، حتی در طول این مدت رانندگی خلاف هم نداشته ایم. ولی چی گیرمان آمده؟ هیچی. در کشورهای اروپایی مسئولان و مدیران حمل و نقل با تمام نیرو و امکان می روند مشکلات را حل می کنند. ولی در اینجا مسئولان و مدیران ما از مشکلات فرار می کنند. همه ما رانندگان به حال خودمان رها شده ایم. در حالی که همه شرکتهای حمل نقل با خون دل رانندگان تخذیه می شوند. حالا شما جرئت نوشتن این حرفها را دارید؟ جرئت دارید حتی اسم سندیکای رانندگان را بیاورید؟ چه برسد به این که بخواهید این سندیکا تشکیل شود.

ص.ح.ن: شما چه تلاشی برای تشکیل سندیکایتان کرده اید؟

ر.ک: متوسط سالهای رانندگی ما سه نفر ۲۷ سال است. در این مدت همواره با این مشکل روبرو بوده ایم هیچوقت، با تمام اهمیت کارمان، جدی گرفته نشده ایم.

ص.ح.ن: شما در جریان بحثهای مربوط به تشکیل شرکتهای تعاونی خود رانندگان بوده اید؟

ر.ک: نه، این بحثها کی بود.

ص.ح.ن: چه دوره ماهانما سالهای ۶۴ - ۶۵ رجوع کنید. در آن سالها نمایندهای شرکتهای تعاونی خود رانندگان نزدیک به دو سال هر ماه از سراسر کشور دور هم جمع می شدند و در مورد تشکیل اتحادیه بحث می کردند و برنامه می دادند. گزارش همه صورتجلسات آنها در ماهنامه چاپ شده است.

ر.ک: چالب است. هیچ

بر بی ارزش شمردن جان و زندگی اکثریت کارکن این جامعه قرار داده شده است. در آمریکا زمانیکه کارگر وارد محیط کار می شود می بایست تمام حقوق اجتماعی و مدنی خود را پشت در کمپانی تحویل گارد نگهبانی بدهد و تنها قانونی که شامل حالش می شود قانون محیط کار است. بی دلیل نیست که احکام صادره در دادگاهها و مراجع قضایی منعکس کننده این قانون اساسی جامعه یعنی قانون سود سرمایه است.

زمانیکه "پاتریس دشارت" یکی از قضات دادگاه فرانسه در سال ۱۹۷۵ بعد از کشته شدن یک کارگر در کارخانه تصفیه قیر، حکم بازداشت مدیر کارخانه را صادر کرد و خود جهت بازداشتش روانه کارخانه شد، این عمل در رده "افزایش خلاف قوانین جامعه" طبقه بندی شد و دادگاه عالیتر در عرض کمتر از ۶ روز مدیر کارخانه مربوطه را آزاد کرد.

واقعیت خشن و ضد کارگری این جوامع در گفتار یکی از رهبران کارگران راه آهن آمریکا بنام "گیلبرت رز" نهفته است، زمانیکه گفت "جنگ در مقایسه با شرایط کار در راه آهن جای امن تری است". مبارزه برای بهبود و انسانی کردن محیط کار یکی از عرصه های اصلی مبارزات کارگری است. کارگری که بیش از نیمی از زمان زندگی خود را در محیط کار بسر می برد، می بایست در محیطی سالم و بهداشتی کار کند. حفظ سلامت و بهداشت محیط کار نشانه حرمت جامعه ای انسانی برای اکثریت عظیم جامعه است و نشانه ای از تمدن بشری است که سرمایه داری هر روزه زیر پا می گذارد و لگدمال می کند.

علی جوادی

کالیفرنیا - نوامبر ۹۱

ص.ح.ن: مثلاً چه در دسری؟

ر.ک: نگذارند چاپ کنید، تعطیلتان کنند، جلوی کارتان را بگیرند؟

ص.ح.ن: چرا فکر می کنید باید این کارها یا ما بشود؟

ر.ک: آخر لامصب این کار خیلی حساس است. چطور اجازه دادند اینها را چاپ کنید؟ شما خودتان چه فکر می کنید؟

ص.ح.ن: من فکر می کنم تشکیل سندیکا یا اتحادیه یک مساله داخلی بین خودتان است. دلیلی ندارد دولت از این کار بترسد و بخواهد اشکالتراشی کند، چون سودی عایدش نمی شود. دولت می تواند همه مسئولیتهای تامین نیاز رانندگان را به یک تشکیلات صنفی واگذار کند و از آن تشکیلات طبق قانون مسئولیت بخواهد. بار خودش هم سبکتر می شود. چرا باید مساله را اینقدر پیچیده کرد؟

ر.ک: پس این بحث شیلی میلی چیه؟

ص.ح.ن: کدام بحث شیلی میلی؟

ر.ک: همین که می گویند کودتای شیلی را رانندگان راه انداختند؟

ص.ح.ن: ظاهراً آن کودتا را افسران ارتش طرفدار آمریکا کردند.

ر.ک: درست است. ما هم همین فکر را می کردیم. رانندگان پابتنی کجا می توانستند این کار را بکنند؟ آنها که کامیون از خودشان نداشتند. کامیونها مال سرمایه دارها بود. بار نگرفتند. راننده ها هم کار نکردند. ولی اینجا ظاهراً چوبش را ما داریم می خوریم. گنه کرد در بلخ آهنگری به شوشتر زدند گردن مسگری.

ص.ح.ن: با این اوصاف، قبول دارید تشکیل سندیکا یا اتحادیه یک مساله داخلی بین خودتان است؟

ر.ک: زیاد هم داخلی داخلی نیست. قبول داریم که بسیاری از ما حتی بین خودمان نمی توانیم تفاهم ایجاد کنیم، چه برسد به این که بخواهیم تشکیلات بزرگی مثل سندیکا یا اتحادیه را بگردانیم. ولی از آنطرف هم اگر دولت نسبت به این کار نظر مساعد داشت حتماً راهنمایان می کرد. قبول ندارید، از خود دولت

اخبار کوتاه

وزیران، اعتصاب عمومی علیه افزایش قیمت بنزین

روز ۷ نوامبر، به فراخوان کنفدراسیون اتحادیه های کارگری در اعتراض به افزایش قیمت بنزین و همچنین علیه اخراج های وسیع کارگران در کاراکاس پایتخت ونزوئلا، اعتصاب عمومی شد. بدلیل شرکت کارگران ترانسپورت در اعتصاب، عبور و مرور در پایتخت کاملاً مختل شد و اکثر فروشگاهها، ادارات، و رستوران ها و همچنین پروازهای داخلی کشور تعطیل گشت.

بلیزیک، تظاهرات معدنچیان

روز ۱۸ نوامبر، کارگران معدن بلیزیک که با موج اخیر بسته شدن معادن این کشور بیکار شده اند در شهر بروکسل دست به تظاهرات زدند. با ورود پلیس ضد شورش به صحنه تظاهرات، کارگران با سنگ و چوب با پلیس درگیر شدند. در این درگیری ۲۷ پلیس و یک خبرنگار زخمی شدند.

قرارداد کارگران فرورد

کارگران یک کارخانه فرورد، در بریتانیا به قراردادی رای مثبت دادند که پایین ترین سطح افزایش دستمزدشان را در ده سال اخیر در بردارد. ۷۵ درصد کارگران خواهان پذیرش قرارداد جدید بودند. این اولین باری است که کمپانی فرورد قراردادی را بدون مقاومت کارگران و هیچگونه اعتصاب منعقد می کند.

بیکاری کارگران مترو لندن

در طی سه سال آتی بیش از یک چهارم ۲۵ هزار کارگر شاغل در قطارهای زیرزمینی لندن بیکار خواهند شد. این بیکار سازی در یک تلاش بی سابقه برای افزایش کارایی شبکه راه آهن زیر زمینی، سودآور کردن آن تا سال ۱۹۹۶ و در نهایت خصوصی کردن آن صورت خواهد گرفت. تا سال ۱۹۹۵ بیش از ۵ هزار شغل از بین خواهد رفت.

هندوستان

اعتصاب عمومی

روز ۳۰ دسامبر، به فراخوان ۶ اتحادیه کارگری در هندوستان علیه سیاست های دولت اعتصاب عمومی شد. یک سخنوی اتحادیه سیاست های دولت را ضدکارگری و به نفع صندوق بین المللی پول خواند. با آنکه دولت اعلام کرد که فراخوان اعتصاب فراگیر نشده است اما دامنه اعتصاب به بخش خدمات عمومی، هواپیمایی ها، راه آهن و بانک ها نیز کشیده شد.

فنلاند

انجماد دستمزدها

روز ۲۸ نوامبر، کارفرماها و سازمان های کارگری فنلاند بر سر قرارداد دو ساله جدیدی به توافق رسیدند که طبق آن دستمزد کارگران در سال ۱۹۹۲ منجمد خواهد شد. براساس قرارداد جدید دستمزد کارگران در سال ۱۹۹۳ در صورتی افزایش خواهد یافت که تا اکتبر سال ۱۹۹۲ نرخ تورم به ۴ درصد رسیده باشد.

۱۹۹۲، سال اعتراضات کارگری علیه بیکارسازی در آلمان

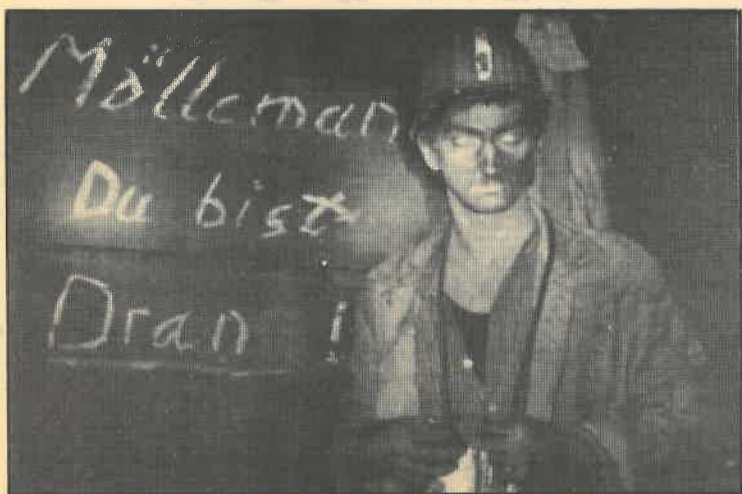
بنا به این گزارش، تا پایان سال جاری بیش از ۳۳۰ هزار نفر در شرق آلمان شغل خود را از دست خواهند داد. وزیر اقتصاد آلمان "یورگن مولمان" اعلام کرده است که بیکارسازی در معادن نیز اجتناب ناپذیر است. بنا به پیش بینی وزیر کار تعداد بیکاران در غرب آلمان به ۲۰۰ هزار و در شرق آلمان به ۴۰۰ هزار نفر افزایش خواهد یافت. پیش بینی می شود که بدون سوسیست دولتی برای پرداخت حق بازنشستگی زودرس، کارآموزی و ایجاد کار تعداد بیکاران در شرق آلمان که هم اکنون طبق آمار رسمی ۱ میلیون است به ۴ میلیون افزایش یابد. این به معنای بیکاری ۳۴ درصد کل نیروی کار است.

مرکز خبری کارگر امروز: در اواسط ماه نوامبر، اتحادیه فلزکاران آلمان (ا.ک.م) که بیش از ۳۶۶ میلیون عضو دارد تهدید کرد که در اعتراض به بیکاری وسیع پس از سال نو میلادی فراخوان به اعتصاب خواهد داد. در غرب آلمان معدنچیان برای جلوگیری از بسته شدن معادن در تدارک اعتصاب هستند. به گزارش تایمز مالی، روز ۲۰ نوامبر بیش از ۴ هزار کارگر فلز در شرق آلمان دست به تظاهرات زدند. علت تظاهرات بیکار شدن ۵ هزار کارگر فلز بود. در هفته دوم ماه نوامبر کارگران پست شرق آلمان با خبر کاهش نیروی کار در ادارات پست، دست از کار کشیدند و چند روز اعتصاب کردند.

لاورین"، صراحتاً تأکید کرده است که هرگونه عدول از این قرارداد تهدیدی علیه کل اقتصاد کشور محسوب می شود. چرا که قرارداد منعقد می تواند فسخ گردد. و این نگرانی از فسخ قرارداد مهم تثبیت دستمزدها که ابتکار سوسیال دمکراتها برای نجات اقتصاد بورژوازی بود، بی تردید مربوط است به برخی اظهارات ضمنی مقامات "ا.ا.و" مبنی بر اینکه اگر دولت جدید بورژوا بخواهد به اقدامات ضد اتحادیه‌ای متوسل شود، "ا.ا.و" زیر قرارداد "رنه بری" خواهد زد. و البته تودهای کارگر که دل خوشی از قرار داد مذکور بویژه در این اوضاع رشد تورم و کاهش آشکار رفاه و معیشت خویش ندارند، از چنین تصمیمی استقبال خواهند کرد. بدین ترتیب مبارزه ترانسپورت برای خواسته‌های خود، از انعقاد یک قرارداد عادی سالیانه بسیار فراتر می رود. علاوه بر جلب توجه افکار عمومی به اعتصاب رانندگان نفتکش که بطور روزافزون اثرات گسترده‌تری باقی می گذارد، موفقیت ترانسپورت در عدم پذیرش قرارداد "رنه بری" می تواند مشوقی برای سایر اتحادیه‌ها در پیروی از ترانسپورت باشد. و عدول از قرارداد مذکور اثرات وسیع اقتصادی و سیاسی برای دولت سوئد در بر خواهد داشت. لذا اتحادیه کارفرماها آشکارا اعلام کرده است که یک کمپین تبلیغاتی فشرده را علیه اعتصاب رانندگان دامن خواهد زد. هسته محوری این کمپین اینست که: این شرکتها نیستند که از اعتصاب که بویژه خطوط هوایی را تهدید به توقف در هفته های پر رونق تعطیلات کریسمس می کند، متضرر می شوند. بلکه زیان این اعتصاب به خانواده‌هایی می رسد که از استفاده از تعطیلات و مسافرت به نقاط مختلف، محروم خواهند شد.

اعتصاب رانندگان تانک‌های نفتکش در سوئد

مرکز خبری کارگر امروز: از اواخر اکتبر گذشته هزاران راننده تانک‌های نفت کش و مواد سوختی در سوئد، با تعطیل کار در روزهای جمعه هر هفته، به یک اعتصاب هشدار دهنده دست زده‌اند. "یان اولسون" یکی از رانندگان اعتصابی به روزنامه "داگنز نی هتر"، پر تیراژترین روزنامه سوئد گفت: ما مصمم دستمزدهای بهتری بدست بیاوریم. زیرا ما کالایی خطرناک حمل می کنیم. اما علت این اعتصاب فقط کار خفیر رانندگان نیست. خواست افزایش دستمزد در بین رانندگان عضو اتحادیه ترانسپورت چندان وسیع است که این اتحادیه نتوانست پای قرار داد تثبیت نسبی دستمزدها در سال ۹۱ که به قرارداد "رنه بری" مشهور است و در زمان دولت سوسیال دمکراتها به تصویب "ا.ا.و" اتحادیه سراسری سوئد رسید، امضا گذارد. اعضای اتحادیه ترانسپورت معتقدند که دستمزد آنها در سالهای اخیر نسبت به دیگر اعضای "ا.ا.و" کمتر افزایش یافته است و آنها از سایر همقطاران خود در کارخانه‌ها و کلا بخش صنعت عقب هستند. پاسخ اتحادیه کارفرماهای سوئد (ساف) به درخواست اتحادیه ترانسپورت که در بازار کار سوئد یکه تنها مانده است، کوتاه و صریح بوده است: قرارداد "رنه بری". بر طبق این قرارداد به هر یک از اعضای ترانسپورت معادل ۲۰۰ کرون در ماه اضافه خواهد شد، اما آنها دو برابر این مقدار را طلب می کنند. یک



پیشروی کردند. کارگران شعارکویان و بدون مقاومت عقب نشستند. بیکت های اعتصاب برجیده شد و تنها چند ده نفر از میان ۱۶۰۰ کارگر شیفت صبح با همراهی پلیس وارد کارخانه شدند. مذاکرات میان اتحادیه و مدیریت بلافاصله پس از این مداخله آغاز شد. اما کار در همینجا پایان نیافت. پروتکل توافقی که در این مذاکرات تهیه شد، تنها پاداشی معادل ۲۲۴ فرانک در ماه و ۱۰۰۰ فرانک بلافاصله پس از شروع به کار، و همچنین لغو حکم اخراج در مورد ۶ کارگر اخراجی را در بر داشت.

در مجمع عمومی که برای بحث بر سر بررسی پروتکل و ادامه اعتصاب برگزار شد دبیر "ث.ژ.ت" در "کلون" خواهان خروج نیروهای پلیس از کارخانه شد و ضمن محکوم کردن "معامله شرم آور" مدیریت برای استخدام کارگران اعتصابی در مقابل پایان اعتصاب چنین گفت: باید آگاه باشیم که رای به ادامه اعتصاب بطور اتوماتیک بمعنای اخراج یکی از رفقای ماست که نماینده اتحادیه نبوده و در نتیجه مصونیت ندارد". "ث.ژ.ت" قول داد که نتیجه رای گیری هرچه باشد اتحادیه با آنها خواهد بود. در این رای گیری اکثریت کارگران خواهان ادامه اعتصاب بودند اما دبیر "ث.ژ.ت" پس از اعلام نتایج آرا خواهان مهلت برای مشورت با فعالین اتحادیه شد. کمی بعد او به تجمع کارگران آمد و اعلام کرد که خواهان بازگشت به کار کارگران است. سخنان او در میان سوت کشیدن و هو کردن ناراضیان پایان یافت.

پروتکل توافقی به امضا مدیریت و ۳ اتحادیه رسید و بلافاصله پلیس کارخانه را ترک کرد. به این ترتیب اعتصابی که حاصل آن برای کمپانی رنو بر طبق تخمین وزیر کار ۱۴ میلیارد فرانک زیان بود و ۸ کارخانه دیگر را در فرانسه و بلژیک فلج کرد پس از ۱۹

پایان اعتصاب ۱۹ روزه کارگران رنو در فرانسه

یک آکسیون غیرقانونی و خشن رنو را به زانو درآورد، "ما در مقابل تروریسم آنهایی که هیچ درسی از آنچه که در شرق رخ داد نیاموخته‌اند، عقب نمی نشینیم"، علاوه بر آن از اعتصابیون با عناوینی چون قانون شکن، تروریست، گروگانگیر، مفسد و خرابکار نامبرده می شد.

بنا به این گزارش، در سایر کارخانجات رنو گرچه اعتصاب یا حرکت معین دیگری در حمایت از کلون انجام نگرفت اما کارگران اخبار اعتصاب را با دقت تعقیب می کردند و همبستگی خود را با فرستادن نمایندگان و پیامهایی اعلام می داشتند. علاوه بر آن کارگران کارخانه‌های دیگر منطقه و همچنین اتحادیه متالورژی برزیل همبستگی خود را با اعتصاب اعلام کردند. در مقابل مطالبه مشخص اعتصاب که ارائه پیشنهادات متکی به عدد و رقم برای افزایش دستمزد و لغو مجازات ۱۴ نفر کارگر اعتصابی که تهدید به اخراج شده بودند، بود، مدیریت اعلام کرد که افزایش دریافتی های حقوق بگیران رنو اجتناب ناپذیر است و پرونده‌های ۱۴ کارگر اخراجی مورد به مورد بررسی خواهد شد. در آخرین دیداری که روز ۴ نوامبر انجام گرفت، نماینده "ث.ژ.ت" اعلام کرد که هیچگونه پیشنهاد متکی به عدد و رقم برای افزایش حقوق از سوی مدیریت مطرح نشده است. پس از این دیدار، دفتر مرکزی رنو اعلام داشت که همه اقدامات برای ورود و خروج کالاها به شکست منتهی شده و از دولت خواست که حکم دادگستری را برای اعزام نیروهای پلیس که ۲۱ اکتبر صادر شده بود، به اجرا بگذارد. ساعت سه و نیم بامداد

بنا به این گزارش، کارگران اعتصابی از همان ابتدا با استقرار بیکت های اعتصاب تمام دروازه‌های کارخانه را به کنترل خود درآوردند. از ورود و خروج افراد و کامیونها جلوگیری کردند و اعلام نمودند که بیکت های اعتصاب تا شروع مذاکرات نمایندگان کارگران و مدیریت برجیده نخواهد شد. مدیریت کارخانه نیز فتح باب مذاکرات را منوط به برجیده شدن بیکت ها و جریان یافتن عادی رفت و آمد افراد و کالاها کرد. در این کارخانه موتور و جعبه دنده ساخته می شود و در نتیجه جلوگیری از خروج آنچه در آنهاها مانده بود باعث می شد که کار در کارخانه‌های دیگر رنو هم بجاواید. با دخالت نماینده وزارت کار یک دور ملاقات میان نمایندگان اتحادیه و مدیریت انجام گرفت اما با اعلام شکست ماموریت نماینده وزارت کار خاتمه یافت.

این گزارش حاکی است، مدیریت رنو از ابتدا روی منزوی ماندن جنبش اعتصابی در کارخانه "کلون" از سایر کارخانجات رنو حساب می کرد و در کارخانه‌هایی که احتمال اعتصاب بیشتر بود، از جمله کارخانه "ماز" که کارگران در کم کاری بسر می بردند، حتی امتیازاتی داد. بعضی از تنبیهات ملغی شد و آنهایی را که برایشان یکرور بیکاری تکنیکی پیش بینی شده بود، در طول چند دقیقه سر کار گذاشت. به گزارش سارا اصلاتی، در تمام طول اعتصاب، "ث.ژ.ت" که اعتصاب را رهبری می کرد و از سوی "ث.ا.ف.د.ت" حمایت می شد هدف بمباران تبلیغاتی و دشنام های مدیریت رنو، دولت و رسانه‌های گروهی بود: "باند تحریک شده‌ای خود را سازمان اساس مذاکره کنند.

قرارداد جدید همچنین افزایش ۱۴ درصد دستمزد در طی ۳ سال آتی، مرخصی با حقوق، پرداخت اضافه کاری، و بازنشستگی را نیز در بر دارد. در ژانویه ۱۹۸۸، علیرغم کمپین ضداتحادیه‌ای مدیریت کارگران اقدام به ایجاد اتحادیه کردند و به پیوستن به اتحادیه کارگران نساجی و لباسدوزی رای مثبت دادند. این کمپانی کارگران طرفدار اتحادیه را اخراج کرد و حقوق کارگران را زیر پا گذاشت. اما کارگران این مبارزه را سراسری کردند. کمیته‌های پشتیبانی تشکیل دادند و از حمایت کارگران و تشکل های دیگر برخوردار شدند. سرانجام در ماه مارس سال جاری دادگاه به نفع کارگران رای داد. یکی از کارگران پس از پیروزی گفت: این جنگ برای احترام و حیثیت بود. اکنون از این حیثیت برای تحمیل قرارداد اتحادیه استفاده خواهیم کرد.

اعتصاب عمومی کارگران آفریقای جنوبی

این گزارش حاکی است که وسعت اعتصاب در "سوئو" بزرگترین منطقه سیاهپوست نشین کشور به حدی بود که اکثر اتوبوس ها و تاکسی ها بدون مسافر ماندند و تعداد مسافران قطارها نیز ۹۵ درصد کاهش یافت. به گزارش خبرگزاری رویتر، روز ۳۰ نوامبر در ژوهانسبورگ، ۲۰ گروه و سازمان سیاسی آفریقای جنوبی پذیرفتند تا مشترکاً در مورد قانون

تلفیسی شده از: نشریه کارگری لیبیر نتز چاپ آمریکا

س از سه سال جنگ با کمپانی لیجنتیک" در ایالت "جورجیا" مراسم روز ۱۶ اکتبر ۶۵۰ کارگر ضو اتحادیه کارگران نساجی و لباس دوزی توانستند اولین قرارداد اتحادیه‌شان را به تصویب برسانند. قرارداد جدید مدیریت این کمپانی را ادار می کند که ۲۰۰ کارگری را که بطور غیرقانونی بعلت فعالیت اتحادیه‌ای خراج کرده بود مجدداً استخدام کند. آنها از حقوق بازنشستگی و همچنین ریافت حقوق های عقب افتاده که مجموعاً معادل ۱ میلیون دلار خواهد شد نیز بهره‌مند می شوند. یکی از ارگران که در ماه مه ۱۹۹۰ اخراج شده بود در اینمورد گفت: باور می کنم که مجدداً به سر کار زمی گردم. این نشان می دهد که گر مردم باهم باشند چه کارها می توانند بکنند.

بقیه از صفحه اول

نریقا" و "کوساتو" صورت گرفت و کنگره سراسری اتحادیه‌های کارگری ز از اعتصاب پشتیبانی کرد. "جی یو" دبیر کوساتو، اعتصاب را نراندومی علیه آپارتاید خواند و ضمن دیدن به اعتصاب مجدد، از دولت یاست تا در مورد سیاست های تصادی با "کنکره ملی آفریقا"، جادیه‌های کارگری و دیگر گروه‌های

آمریکا

پیروزی کارگران دوزنده و نساج

بقیه از صفحه اول

کارگاه امروز

اعتصاب موفق کارگران قرقه سازی در فرانسه

ایتالیا، موجی از اعتصابات کارگری

اعتصاب صدها هزار کارگر یونان

مرکز خبری کارگر امروز: اعتصاب کارگران قرقه سازی "د.ام.ث" برای افزایش دستمزد پس از ۶ روز مدیریت را وادار کرد تا افزایش حقوق ۲۴۰ فرانک در ماه را بپذیرد و مبلغ ۲۰۰ فرانک نیز بعنوان پاداش به کارگران بپردازد.

به گزارش روزنامه "لوت اوریه" چاپ فرانسه، در این کارخانه تعداد ۱۲۰ کارگر زن کار می کنند و هر کدام مسئول کنترل ۲۵ قرقه هستند. حقوق کارگران این بخش از ۵۳۰۰ فرانک در ماه تجاوز نمی کند و

کارگران در اعتراض به سطح دستمزد به دفعات دست به کم کاری زده اند. اعتصاب در جلسه مشترک کارگران دو شیفت تصمیم گیری شد و بلافاصله عملی گردید. مدیریت تلاش می کرد تا از اعتصاب جلوگیری کند اما این کارگران نیز وارد اعتصاب شدند.

بنا به این گزارش، در حمایت از اعتصاب ۳۵ کارگر کارخانه دیگر "د.ام.ث" نیز دست از کار کشیدند و سرانجام اعتصاب پس از ۶ روز با افزایش حقوق کارگران پایان یافت.

اعتصابات کارگری

یکی از اتحادیه های کارگری در راه آهن ایتالیا در اعتراض به قرارداد جدید برای روز ۶ دسامبر فراخوان اعتصاب داده است.

کارگران فرودگاههای ایتالیا به فراخوان اتحادیه روز ۲۳ نوامبر در اعتراض به شرایط کار بمدت ۸ ساعت دست از کار کشیدند.

روز ۱۸ نوامبر بیش از ۳۲ هزار از ۳۴ هزار پمپ بنزین ایتالیا با اعتصاب صاحبان پمپ بنزین ها تعطیل شد و عبور و مرور بدلیل کمبود بنزین راکد شد.

اعتصاب ۳۵ هزار کارگر معادن طلای سفید در آفریقای جنوبی

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۱ نوامبر، ۳۵ هزار معدنچی شاغل در "ایمپالا پلاتینوم" دومین تولید کننده طلای سفید در جهان برای برسمیت شناسی اتحادیه دست از کار کشیدند.

به گزارش تایمزمالی، با اعتصاب کارگران ۳ معدن از ۴ معدن این کمپانی تعطیل شد و سطح تولید در معدن چهارم تنها ۳۰ درصد بود. به گفته کمپانی ۹۰ درصد تولید راکد ماند.

بنا به این گزارش، اعتصاب بدنبال بی نتیجه ماندن ۴ ماه مذاکرات و میانجیگری و به فراخوان "اتحادیه سراسری آفریقای جنوبی" آغاز شد. این اتحادیه با آنکه بیش از ۶۰ درصد کارگران این کمپانی را نمایندگی می کند اما از نظر مقامات غیرقانونی است.

به گفته اتحادیه اعتصاب اخیر در اعتراض به بازداشت فعالین اتحادیه ای توسط مقامات و همچنین بدلیل بازپس گیری توافقات با اتحادیه از سوی مدیریت آغاز شد.

کار کودکان در آلمان

بر اساس برآورد موسسه حمایت از کودکان در آلمان، صدها هزار کودک در این کشور به کار مزدی اشتغال دارند. این موسسه تعداد کودکانی که در سال ۱۹۸۹ کار می کرده اند را ۴۰۰ هزار نفر تخمین زده و ادعا کرده است که امروز در سراسر اروپا، نه فقط در کشورهای جنوب اروپا، کار کودکان در دستور روز قرار دارد. حتی در شهرهای آلمان نیز انسان به کودکان ۱۴ ساله ای برخورد می کند که در رستورانها، بعنوان ماشین شور، روزنامه پخش کن و یا در پمپ بنزینها کار می کنند.

در ایالت "نورد راین وستفالن" که با بیش از بیست میلیون جمعیت، پر جمعیت ترین ایالت آلمان است، ۴۰ درصد دانش آموزان بین ۱۳ تا ۱۵ ساله یا در وقت مدرسه، یا در ایام تعطیلی و یا حتی در تمام سال به کار مشغولند.

۱۵۰ هزار کارگر اعتصابی بوتسوانا در معرض اخراج

اتحادیه و دولت قرار گرفته بود دست از کار کشیدند. دولت علیرغم توافق حاضر به پرداخت این میزان افزایش دستمزد نشد. مدیریت بخش خدمات دولتی پس از اعتصاب کارگران اعلام کرد: ما اینطور نتیجه می گیریم که تمامی کارگرانیکه در این دو روز بر سر پست هایشان حاضر نبودند به کارشان خاتمه داده اند.

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۷ نوامبر، مقامات بوتسوانا بیش از ۱۵۰ هزار کارگر بخش خدمات که برای افزایش دستمزد اعتصاب کردند، را اخراج کردند.

به گزارش تایمزمالی، کارگران اعتصابی برای ۱۵۴ درصد افزایش دستمزد که در ماه گذشته مورد توافق

بقیه از صفحه اول

را در حد ۱۰ درصد نکه داشت. قرار است که در سال ۱۹۹۲ نیز نرخ افزایش دستمزد به ۶ درصد محدود بماند.

اعتصاب روز ۴ دسامبر در مخالفت با لایحه دولت مبنی بر سریع کردن پروسه خصوصی کردن صنایع و کمپانی های دولتی صورت گرفت. قرار است که این لایحه در هفته دوم ماه دسامبر به تصویب پارلمان برسد. طبق آن ۴۹ درصد کمپانی برق و مخابرات و همچنین هواپیمائی دولتی "المیک" قابل فروش خواهد شد. تاکنون ۱۰ هزار کارگر دولت بدلیل برنامه خصوصی کردن موسسات دولتی شغل خود را از دست داده اند. انتظار می رود که در چند ماه آتی ۱۵ هزار کارگر دیگر بیکار شوند. کارکنان بانکها اعلام کرده اند که از روز ۵ دسامبر، کارگران صنعتی در هفته دوم دسامبر اعتصابشان را آغاز خواهند کرد.

دولت نیز دست به اعتصاب پشتیبانی ۴ ساعته زدند. در این روز ۲۰ هزار کارگر اعتصابی در مرکز شهر آتن دست به راهپیمائی زدند و در جلوی پارلمان این کشور تجمع کردند. این گزارش حاکی است که "کنفدراسیون سراسری اتحادیه های کارگری" طی قطعنامه ای از دولت خواست تا برنامه خصوصی کردن صنایع و موسسات را متوقف کند. "دیمیتریوس کوستوپولوس" رهبر اتحادیه خطاب به کارگران گفت: "این فقط یک هشدار علیه سیاست های غیرانسانی دولت است. این مسئله مرگ و زندگی است و ما تا به آخر خواهیم جنگید". در سال جاری بیش از ۱۵ هزار شغل در کمپانی های دولتی که نتوانستند خریداران را جلب کنند از بین رفته است. دولت یونان طی برنامه ۳ ساله ای که از سال جاری آغاز شد، علیرغم نرخ تورم ۱۸ درصد در کشور، افزایش دستمزدها

گفتگو با آنجلو استولاتو از فعالین اتحادیه ترانسپورت

بقیه از صفحه ۷

و حال اگر این حق از ما گرفته شود چگونه خواهیم توانست به خواسته های خود برسیم. حق اعتصاب آخرین حربه ما در پیشبرد خواسته ها است.

ک.ا: لایحه بازگشت به کار یکی از مسائل و مشکلات جنبش کارگری کانادا است. جنبش کارگری چگونه می تواند علیه این حملات مبارزه کند؟

آ.ا: همه اتحادیه ها باید در این مبارزه شرکت کنند. نباید اجازه دهیم به بعضی از اتحادیه ها فشار بیاید. مثلا همین الان این فشار به اتحادیه بی.سک و بخش ۱۱۳ آمده است و به ما اجازه اعتصاب کردن نمی دهند. همه اتحادیه ها باید به اعضای پارلمان بگویند که آنها نمی توانند قانونی که ما برای تصویب آن سالها مبارزه کردیم را زیر پا بگذارند.

سیستم آموزشی، شبیه آنچه که اتحادیه صنایع ماشین سازی دارد، اقدام خوبی خواهد بود. اعضا باید از فعالیت های اتحادیه مطلع شوند و اطلاعات کسب کنند. اعضای اتحادیه، قدرت اتحادیه اند. اگر اطلاعات و جهت درست به آنها داده نشود اتحادیه قوی نخواهد بود. مسئله اساسی، قدرت اتحادیه است که آنها از طریق حمایت اعضای آن بدست می آید. اگر اتحادیه به خواسته ها و امیال اعضایش جواب ندهد به مشکلات زیادی برمی خورد.

ک.ا: دولت مرکزی در صدد لغو حق اعتصاب است.

آ.ا: بله. لغو حق اعتصاب یک حمله شدید به اتحادیه ها است. ما سالها برای حق اعتصاب مبارزه کردیم

ما مسئول این ماجراها نیست. در حالیکه صادر کنندگان فرش هند که در اتحادیه مزبور جمع شده اند خود مواد اولیه و طرح فرشها را به صاحبین کارگاهها می فروشند و فرشهای تولید شده را از آنها می خرند و بدین ترتیب در پروسه تولید دخیل هستند. فعالین دفاع از حقوق بشر در هند خواستار زدن مهر ویژه به فرشهایی شده اند که توسط کودکان تولید نشده است، تا بدین ترتیب ملاکی برای خریدار اروپائی بدست آید. اما آقای انصاری این پیشنهاد را نیز تلاشی برای تحت فشار گذاشتن تولید کننده فرش در هند می بیند. او دیگر حتی حاضر نیست به حرفهای ما راجع به این وضعیت که در بسیاری از کارگاههای قالیبافی تبدیل به قاعده شده است گوش فرا دهد.

"چامپا"، زنی که سالهاست برای آزادی کودکان برده شده تلاش می کند و تاکنون بسیاری از آنها را نیز رها نموده است: "معلوم است که در هند نیز قوانینی مبنی بر ممنوعیت این نوع کار کودکان وجود دارد، اما این قوانین اجرا نمی شوند و مسئولین دولتی این وضعیت را به آسانی ندیده می گیرند. بسیاری از کودکان رها نموده شده از دست صاحبین کارگاهها نمی دانند به کجا باید بروند. دولت هند هیچ کمکی به آنها نمی کند و در اکثر موارد آنها را به عنوان کارگران اجباری به رسمیت نمی شناسد. بدین ترتیب اکثر کودکانی که بزرگ می شوند و دیگر بدرد کار قالیبافی نمی خورند، در کارگاههای ساختمانی به کار گمارده

شده اند، دست کم گاهی می خندند و به ما غریبه ها با چشمان حیرت زده می نگرند.

بخش بزرگی از صنعت قالیبافی بعد از سال ۱۹۷۵ که دستمزدها در ایران بالا رفت و کار کودکان ممنوع گردید، به پاکستان، نپال و هندوستان منتقل شد. از آن زمان در کمربند فرش "یوتار پرادش" مقادیر زیادی فرش تولید و صادر می شود. میزان صادرات فرش این منطقه که بیست سال پیش به صد میلیون روپیه می رسید، امروزه تا ۴ میلیارد روپیه (۳۳۰ میلیون مارک) برآورد می شود. ۷۵ درصد تولیدات فرش هند به آلمان اختصاص یافته است که به قیمت چند برابر بفروش می رسد. صادر کنندگان فرش از هند حاضر نیستند با ما درباره این وضعیت در صنایع خود صحبت کنند و ما را از اینجا به آنجا می فرستند. بالاخره در "بهادوهی" به شخصی بنام "جلیل انصاری" برمی خوریم که دبیر اتحادیه تولید کنندگان فرش در هند است. او درباره بردگی کودکان در صنایع فرش می گوید: "همه این حرفها تبلیغات سیاسی است. کار کودکان در هند وجود دارد ولی فقط در خانواده، احتمالا چین و پاکستان این رقیب ما در تولید فرش هستند این تبلیغات را علیه صنایع فرش در هندوستان راه انداخته اند."

وقتی می گوئیم که خود کودکان برده شده را دیده ایم، آقای جلیل انصاری در جواب می گوید که "شاید یک یا دو درصد اینطور باشد، در صنایعی که بیش از دو میلیون نفر در

نمی توانستیم از کودکان زیاد سؤال کنیم، اما در دهکده "مورهو" واقع در "بی هار" به والدین و فرزندانی برخوردیم که برایمان از تجارت کودک در هند حرف زدند. واسطه ها با همکاری کدخداهای در ازای مبالغی ناچیز مثلا ۵۰ روپیه (۵ مارک) کودکان را از والدین می خرند. "ویندو" پسر بچه ۱۰ ساله ای که چهار سال پیش به بردگی گرفته شده بود، به تازگی فرار کرده و نزد پدر و مادرش برگشته است. ویندو حتی نام فردی که چهار سال از او به زور کار می کشید را نمی داند. کار ویندو صبحها ساعت ۳ شروع می شد و تا ساعت ۹ شب طول می کشید. غذایی که به ویندو می دادند از برنج و عدس تهیه می شد؛ "برنج و عدس، خوابان می برد ما را با چوب می زدند". ویندو بدنش را که با آتش سیگار سوزانده بودند، به ما نشان داد. چشمان ویندو در اثر کار مداوم قالیبافی آنقدر ضعیف شده است که شبها نمی بیند. او طی این مدت هرگز مزدی دریافت نکرده است.

در "باری پور" شهرکی کنار رودخانه "گنگ" که ۲۰۰ کارگاه قالیبافی دارد، بالاخره صاحب یکی از کارگاهها را به حرف می آوریم. او پای ۹ داربست ۴۰ کودک را بکار گمارده که ۳۱ نفرشان را از "بی هار" آورده است. صاحب کارگاه اعتراف می کند که به کودکان مزدی نمی پردازد و معتقد است که آنها دست کم در آنجا غذای بهتری

بهای گران فرشهای ارزان

بقیه از صفحه اول

خراب کنند؟ شاید بهتر است آنها را با چوب دستهای بلند فراری دهند؟ شاید هم آمده اند که فرش بخرند؟ چه خوب، چه بد، در هر صورت باید قالیبافها را به میهمانان نشان داد. ما قصد خود را از سفر به چاکیا نمی گوئیم و زیاد سؤال نمی کنیم. صد و پنجاه کودک رنجور و ترسیده که در این شهرک پای داربستهای قالیبافی کار می کنند از اهالی شهرک نیستند و از جای دیگری آمده اند. پوستشان از پوست اهالی تیره تر است و به لهجه دیگری سخن می گویند. آنها از حوالی "سهارسا" در استان هند شمالی "بی هار" آمده اند. درست سه هفته قبل ما در آن منطقه عقب مانده به والدینی برخوردیم بودیم که فرزندان خود را به صاحبین قالیبافی داده بودند، ما در آنجا به دو کودک قالیباف که از دست صاحب کارهایشان فرار کرده بودند نیز برخوردیم بودیم. اقامت ما در چاکیا کوتاه اما برای دیدن کار بردهوار کودکان کافی بود. در "کمربند فرش" بین "میرزاپور" و "بهادوهی" واقع در ۵۰ کیلومتری شهر "واراناسی" چاکیهای زیادی وجود دارد. فعالین حقوق بشر در هند از ۱۰۰ هزار کودک برده شده در این کشور صحبت می کنند. خرید و

چون نشسته اند که جوانترینشان فقط ۶ سال دارد. سقف کلبه کوتاه است و داربست نه از سطح زمین بلکه از کف گودالی که در کلبه کنده شده برپا است. بدین ترتیب کودکان مجبورند هنگام شروع بافتن یک فرش تا مدتها در آن گودال تنگ کنار یکدیگر نشینند و کار کنند، در حالتی که سرشان حتی به کف کلبه هم می رسد. آنها روزانه تا ۱۴ ساعت بر نور بسیار ضعیفی به بافتن فرش مشغولند. غریبه ها کمتر به اینجا سفر می کنند، زیرا کسی نمی خواهد بداند که در اینجا چه می گذرد. پوست بدن کودکان که شلوارهای کوتاه بپا دارند، در اثر تماس مداوم با پشم، واد رنگی و شیمیایی زخم است. آنها گرسنه بنظر نمی رسند اما همگی بورتهای مریضی دارند، مریض در قایسه با دیگر کودکان شهرک که به مدرسه می روند و فرشباف نیستند و پاهای صاحب قالیبافها. محیط کار ودکان تنگ، غبارآلود، گرم و مرطوب است. درجه میزان الحرارة بعضی وزها در سایه به ۴۴ می رسد. شهردار شهرک چاکیا و صاحبین لیبافیا از آنجا که نمی دانند با ما باید بکنند در شهرک وضعیت مبنی ای ایجاد شده است. آیا این مائات، ناخنده آمده اند که بخاطر

کارگر امروز

گوی کارگر امروز با ابراهیم صادقی و فهمیه یزدان پرست

از فعالین جنبش کارگری ایران

ایمان مسائل جنبش

کارگری ایران

صادقی و فهمیه یزدان پرست کارخانجات شهر صنعتی البرز ۱۵ کیلومتری شهر قزوین که مراکز صنعتی ایران است و از ۲۰۰ کارخانه و ۵۰ هزار دارد، بوده‌اند. این دو کارگر

کارگران در کشورهای اروپائی از حق تشکل برخوردار نیستند. بنابراین فشار سنگین اقتصادی، حق کشیهای مدیریت و انجمنها و شوراهای اسلامی و غیره کارگر را وادار می‌سازد که خودش راهی برای طرح مسائلی بیاید و برای حلشان فکری بکند. مسائل کارگران در حین کار، در سرویس، در ساعات غذا، در ارتباطات خانوادگی که با هم دارند طرح می‌گردد و به مرور خواسته مشخصی برای همه جا می‌افتد و با دخالت کارگران پیشرو معمولاً کار به مجمع عمومی کشیده می‌شود. مطالبات ردیف می‌گردد و به مدیریت داده می‌شود و در صورت لزوم به اقدامات عملی مشخصی هم دست زده می‌شود.

★ ک.ا: در مورد قانون کار جدید جمهوری اسلامی چه فکر می‌کنید؟

★ ف.ی: جمهوری اسلامی سعی کرده رنگ و لعاب تازه‌ای به قانون کار جدیدش بزند. بعد از دهسال این دیگر خیلی زرنکی است. با برخی از خواسته‌های کارگری که مخالفت با آن امکان پذیر نبوده، موافقت کرده است (مثل تعطیلی اول ماه مه) تا چیزهای دیگری را که کارگران در همان ده

روز: مبارزات کارگری پس از سرکوب سال ۶۰ و بی که در این مبارزات به کار می‌شد را چگونه ارزیابی

ایم صادقی: بلافاصله بعد از سال ۶۰، دوره کوتاهی مدت کارگری افت کرد اما دوباره یافت. در جامعه سرمایه‌داری زندگی کارگر بدون مبارزه معنی و سرکوبها هم فقط می‌تواند مدت کوتاهی در مبارزه وقفه کند. البته در دوره بعد از سال ۶۰ کارگران سوسیالیست برو کمتر به فعالیت‌های علنی مثل قبل دست می‌زدند و بیشتر پیش بردن فعالیتها در محیط در محافل مخفی متشکل

همه یزدان پرست: در این دوره کارگران پیشرو حفظ امنیت و فعالیت خیلی مهم بود. به این در کنار بوجد آمدن محافل، معیاری عمومی هم چیزی بود ادامه مبارزه را حفظ می‌کرد و نیت کارگران پیشرو را. طبقه کارگر ایران نظیر

سال پیش عملی کرده بودند پایمال کند (مانند ۴۰ سال کار در هفته و تعطیلی پنجشنبه‌ها). در مورد اول ماه مه، رژیم واقعا راه دیگری جز پذیرش آن نداشت. در تمام این دوره رژیم دائما با تعطیلی اول ماه مه مخالفت کرد. اما روز کارگر در تمام کارخانجات و به اشکال مختلف جشن گرفته می‌شد و کار در اغلب جاها بصورت نیمه تعطیل و تق و لق درمی‌آمد.

★ ا.ص: فکر می‌کنم هدف رژیم از این قانون کنترل بیشتر خود کارگر است. موادی در مورد کار کنترتی، قراردادی و موقتی را به این علت تصویب کرده‌اند که هر وقت عت اعتراضی در گرفت بتوانند کارگر را راحت اخراج کنند و ترکیب کارگران را در جاهای مختلف به هم بزنند. از حق اعتصاب و تشکل هم که اصلا خبری نیست. رژیم می‌خواهد به هر شکلی که شده مانع بوجد آمدن تشکلهای مستقل کارگری بشود و این یکی از مهمترین موضوعات درگیریهایی رژیم با کارگران است. رژیم خوب می‌داند بوجد آمدن تشکلهای مستقل کارگری یعنی قدرتمند شدن کارگر در ایران، و حس می‌کند اگر اجازه چنین کاری را بدهد با دستهای خود گور خودش را کند.

★ ف.ی: رژیم خوب می‌فهمد که هم اکنون که کارگران تشکل ندارند اینهمه مبارزه می‌کنند، پس وای بحال روزی که متشکل بشوند.

★ ک.ا: با توجه به سمتگیریهایی رژیم علیه زنان و سیاستهای جدا سازی زنان و مردان در محیط کار، نقش زنان را در مبارزات کارگری چگونه می‌بینید؟

★ ف.ی: برخلاف برخی نظرات روشنفکرانه که می‌گویند زنان کارگر به وضعیتشان اعتراض نمی‌کنند و مبارزه زنان را فقط علیه حجاب می‌فهمند و تنها سندی می‌دهند که از مبارزه زنان می‌آوردند تظاهرات زنان علیه حجاب در سال ۵۸ است. زنان کارگر همیشه چه برای خواسته‌های عمومی همه کارگران و چه برای جنبه کار می‌کردند. خیلی ها نمی‌دانستند که چه اتفاقی می‌افتد. تنها چیز قابل مشاهده این بود که ما ۴/۹ درصد افزایش حقوق گرفتیم، اما افکار عمومی نمی‌فهمد که ما برای چه اعتصاب کردیم. مسئله افزایش دستمزد هیچوقت مسئله محوری نبود. مسئله اصلی کار نیمه وقت بود. چیزی که مدیریت به آن "نیروی کمکی دوره تابستان" می‌گفت و ما مخالف آن بودیم.

★ ک.ا: اتحادیه به اعضای خود توصیه کرد که پیشنهاد مدیریت را قبول کنند ولی اکثریت به آن رای مخالف دادند. چگونه کارگران توانستند خود را سازمان دهند؟

★ ا.آ: کارگران با همفکری و بحث با یکدیگر معنای واقعی قرارداد را مورد بررسی قرار دادند و عمدتا در محافل خود به این مسائل پرداختند. این خود یک نیروی بسیج کننده بود. مشکل بتوان آنرا بیان کرد.

★ ک.ا: چرا بعضی از کارگران خواهان استعفای رهبری کنونی اتحادیه‌اند؟ آیا امکان تغییر رهبری در مجمع عمومی آینده وجود دارد؟

★ ا.آ: بله. بنظم حدود ۹۰ درصد آنها از مقام رهبری عزل خواهند شد. خیلی‌ها از رهبری راضی نبودند چون اطلاعات بدستشان نمی‌رسید و بجای اینکه اخبار را از اتحادیه بشنوند در روزنامهها می‌خواندند. انکرا از این وضعیت عصبانی و ناراضی بودند و احساس می‌کردند که کسی آنها را تحویل نمی‌گیرد.

★ ک.ا: اگر یک رهبری جدید انتخاب شود چه تغییراتی در اتحادیه بوجود خواهد آمد؟

★ ا.آ: امیدوارم در اینصورت رابطه رهبری و اعضا بهتر شود. داشتن یک

خواسته‌های ویژه خودشان مبارزه کرده‌اند. اعتراض علیه حجاب، علیه جداسازی زن و مرد، علیه اضافه کاری، برای افزایش دستمزد، برای امکانات مهد کودک، برای افزایش ساعات شیردادن کودکان همیشه موضوع مبارزه آنها بوده است. آنها هیچوقت هم به لباس و مقنعه اسلامی رژیم تن ندادند و هر جا هم رژیم توانست مقنعه سر زنان کند فقط به زور اسلحه بود. در خیلی از کارخانجات رژیم توانست مقنعه را اجباری کند. ما شاهد اعتراضات زیادی از طرف زنان کارگر برای اینکه از خودشان نماینده داشته باشند بودیم. زنان کارگر برای امکانات و زندگی بهتر دائما در حال مبارزه‌اند و این درست نیست که مبارزه زنان را فقط علیه حجاب بفهمیم.

★ ک.ا: توقع تو از یک قانون کار کارگری در رابطه با حقوق زنان چیست؟

★ ف.ی: ما به برابری انسانها اعتقاد داریم و به زن به عنوان یک انسان کامل برابر با مرد نگاه می‌کنیم. خوب طبیعتا این باید در قانون کارمان هم گنجانده بشود. این درست است که زن از نظر جسمی ویژگیهای خودش را دارد. اما به عنوان یک انسان باید در تمامی جنبه‌های زندگی از حقوق تماما برابر با مرد برخوردار باشد. از همه نظر، دستمزد، شرایط کار، و کلیه مزایای مربوطه، و دیگر حقوق اجتماعی هم مثل آزادی ازدواج و حق طلاق و همینطور حقوقی را که زنان در کشورهایی مثل کانادا سالهاست بدان دست یافته‌اند. راستش فکر می‌کنم جامعه نابرابر کنونی اینقدر زنان را سرکوب کرده و عقب نگه داشته که حتی نیاز است در یک قانون کار انسانی، امتیازات بیشتر و یک تبعیض مثبت به نفع زنان در نظر گرفته بشود تا بتوانند خودشان را به مردها برسانند. بخصوص مسئله نگهداری بچه که حتما باید یک فکری در موردش بشود. در غیر اینصورت اگر قرار باشد که تا ابد نگهداری بچه‌ها به عهده زنها باشد، آنها هیچوقت قادر نخواهند بود نقشی در فعالیتهای اجتماعی ایفا کنند.

★ ک.ا: نظراتان در رابطه با مطالبه ۳۵ ساعت کار در ایران چیست؟

★ ا.ص: مطالبه ۳۵ ساعت کار در هفته بین کارگران پیشرو ایران مطرح است و آنرا پیگیری هم می‌کنند. اما اگر بخواهیم به عنوان یکی از خواسته‌های فعلی طبقه کارگر ایران طرح کنیم، جنبه عملی نخواهد داشت. چرا که این شعار در بین کل کارگران جای خود را باز نکرده است. این وظیفه کارگران پیشرو است که این مطالبه را تبلیغ کنند تا برای دیگران هم جا بیافتد و ما بتوانیم در سالهای آینده به آن برسیم. بالاخره وقتی کارگران آلمان ۳۵ ساعت را طرح می‌کنند ما نباید از آنها عقب بمانیم.

★ ف.ی: بعد از انقلاب در خیلی جاها کارگران ۴۰ ساعت کار را خودشان به اجرا گذاشتند. بنظر من ۳۵ ساعت کار در هفته طرح کاملا درستی است. با اینهمه بیکاری که هست حتی شاید ۲۰ ساعت کار در هفته بهتر باشد تا بیکارها هم بتوانند مشغول کار شوند. منتها باید از طریق کارگران پیشرو و محافل کارگری به این بحث دامن زده شود که اگر فردا ما با یک ۵۷ دیگری روبرو شدیم، بتوانیم مثل ۴۰ ساعت در دوره قبل ۳۵ ساعت را به کرسی بشانیم. الان دولت دارد خیلی بزنگی می‌کند که ۴۴ ساعت را به رسمیت شناخته تا فردا اگر با یک مبارزه حسابی روبرو شد به ۴۰ ساعت تن بدهد، یعنی چیزی که ۱۰ سال پیش عملی شده بود.

★ ک.ا: یکی از دلایلی که در مخالفت با طرح مطالبه ۳۵ ساعت کار در ایران مطرح می‌شود اینست که کارگر برای تامین حداقل زندگیش

مسئله چیست؟ ف.ی: تنها راه حل افزایش دستمزد است. علت اینکه کارگر در روز ۱۶ ساعت و بعضی وقتها ۱۸ ساعت کار می‌کند، تامین نبودن زندگیش است. در غیر اینصورت به روزی ۴ ساعت هم راضی خواهد بود. تنها راه همین افزایش دستمزد و بالا بردن سطح زندگی است. ببینید اگر کسی بیايد شعار ۳۵ ساعت کار را طرح بکند و به افزایش دستمزد زیاد اهمیت ندهد، چیز درستی نیست. در واقع اگر با مبارزه برای افزایش دستمزد وضع معیشت کارگران بهبود یابد و از فشارهای کمر شکن اقتصادی مقداری کاسته بشود، مطالبه ۳۵ ساعت کار جای خودش را پیدا می‌کند.

★ ا.ص: در این رابطه می‌خواستم به یک نکته اشاره کنم. مبارزه برای افزایش دستمزد برای کارگر نیاز دائمی و همیشگی است. در ده سال گذشته مبارزات زیادی برای افزایش دستمزد صورت گرفته و در خیلی جاها هم موفق بوده است. اما امروز با نگاهی به وضع کارگران ایران متوجه می‌شویم، با آنکه حداقل دستمزد نسبت به سالهای قبل خیلی بالا رفته، اما سطح زندگی نسبت به همان سالها خیلی پایین آمده است. بنابراین باید در کنار مبارزه برای افزایش دستمزد به افزایش قیمت‌ها هم اعتراض کرد. مثل اعتراضی که به افزایش قیمت بلیط اتوبوسهای شرکت واحد شد. در شرایط کنونی ایران اگر مطالبه ثابت ماندن قیمت‌ها و مبارزه علیه گرانی مکمل مبارزه برای افزایش دستمزد نباشد، فکر نمی‌کنم بهبودی در سطح زندگی بوجود بیاید.

★ ک.ا: بنظر شما وظایف کارگران پناهندگان و مهاجر ایرانی در قبال مبارزات کارگران ایران و مبارزات کارگران محل اقامتشان چه باید باشد؟

★ ف.ی: به اعتقاد من کارگران مهاجر و تبعیدی ایران باید سعی کنند با اتحادیه‌های کارگری محل اقامت خود ارتباط ایجاد کنند و بکوشند تا به همبستگی بین المللی کارگری که امروز نیاز عاجل است جانی بدهند. سعی کنند وضعیت کارگران ایران را بشناسانند، از وضع اقتصادیش گرفته تا مبارزاتش، قانون کارش، اینکه حق تشکل ندارند و هر اعتصابی فوراً با مامورین مسلح رژیم روبرو می‌شود، و از این طریق حمایت کارگران این کشورها را جلب کنند. مثلا در کانادا تا آنجا که ما فهمیدیم طبقه کارگر از تشکلهای محکمی برخوردار است و حمایتشان خیلی مهم است. باید کارگران مهاجر را با این اتحادیه‌ها آشنا کنیم تا در آن سازمان یابند، کار سیاه نکنند، کارشان را ارزان ن فروشند و یا به عنوان اعتصاب شکن مورد استفاده قرار نگیرند. تا آنجا که شنیده‌ایم کارگران اهل ترکیه در آلمان کارهای خوبی انجام داده‌اند و تجربه زیادی دارند. ما هم باید شروع کنیم. از طرف دیگر ما الان اینجا زندگی می‌کنیم و برای حفظ سطح زندگیمان و بهبود آن راهی نداریم جز اینکه در مبارزات کارگری همین کشورها شریک شویم و به شکلی که می‌توانیم در این مبارزات شرکت کنیم و مدافع آن باشیم.

★ ا.ص: کارگران ایرانی که از سه چهار سال قبل به این طرف آمده‌اند. آمده‌اند کارهای خوبی انجام داده‌اند. اما به اندازه کافی وسعت نیافته است. ما وظیفه داریم دستاوردهای کارگران کشورهای اروپا، آمریکا و کانادا را به کارگران ایران منتقل کنیم. بکوشیم بین کارگران ایران و این کشورها ارتباط برقرار کنیم و با زدن چنین پلی همبستگی بین‌المللی را همانطور که فهمیه یزدان پرست گفت زنده کنیم. بخصوص امروز با اوضاع فعلی جهان که شاهد آن هستیم و با این-نظم نوینی که آمریکا راه انداخته

گو با استولاتوا فعالین اتحادیه ترانسپورت

ایمان اعتصاب کارگران

ترانسپورت تورنتو در کانادا



اعتصاب هشت روزه کارگران تورنتو شهر تورنتو در سپتامبر، موجی از ناراضیاتی از رهبری و مباحثی را برای تغییر آن داشت. آنجولو استولاتوا از ۱۱۳ اتحادیه کارگران ترانسپورت له فعالینی است که خود را برای ت آینده و تغییر رهبری اتحادیه می‌کنند. امیر پیام از ن کارگر امروز در کانادا ن با آنجولو استولاتوا انجام داد ا خواهید خواند.

گرامروز: خواسته‌های اعتصاب ۸ کارگران شرکت ترانسپورت چه

نلو استولاتوا: مسئله از کار نیمه شروع شد. ما مخالف کار نیمه بخصوص در بخش رانندگی کار نیمه وقت چه بصورت صلی و چه بصورت کار کمکی، کسانی را که تمام وقت کار می‌کردند، تهدید می‌کند. ما خواهان از تمام وقت هستیم.

۱. خواسته‌های شما در کم کاری وزه سال ۸۹ چه بود؟ آیا به ای خود رسیدید؟

۱. اعتصاب سال ۸۹ که در کم کاری بود تا حدی به خود رسید. اولین باری بود که ترانسپورت با استخدام

می‌گذاشت و ما نشان دادیم که حاضر نیستیم با شرایط آنها کار کنیم.

★ ک.ا: چرا مخالفت با کار نیمه وقت برای کارگران ترانسپورت اهمیت دارد؟

★ ا.آ: کار نیمه وقت تنها موقعیت شغلی کارگران ترانسپورت را به خطر نمی‌اندازد، اما بخش ترانسپورت بیشتر به آن حساسیت دارد. برای حفظ کیفیت کار و نیروی کار چاره‌ای جز استخدام کارگران تمام وقت نداریم.

★ ک.ا: در طول اعتصاب امسال، افکار عمومی واقعا گیج شده بود. هیچ کس نمی‌دانست خواسته‌های شما چیست؟ چرا رهبری اتحادیه اطلاعات کافی درباره اعتصاب نمی‌داد؟

سوسیالیسم و جهان پس از جنگ سرد

سوزی و ایزمن شوروی شناس، فعالین سوسیالیست آمریکا و تهیه کننده برنامه "سیمای شوروی" در رادیو "ک.بی.اف.ک" در جنوب کالیفرنیا است که نزدیک به ۵۰۰ هزار شنونده دارد. سوزی و ایزمن همچنین عضو هیئت تحریریه نشریه سوسیالیستی "خلاف جریان" چاپ

آمریکا و نشریه "کریستیک" (نشریه بررسی مسائل شوروی) چاپ بریتانیا است. سوزی و ایزمن در اکتبر گذشته گفتگویی با منصور حکمت داشت که از رادیو "ک.بی.اف.ک" پخش شد. این مصاحبه در صفحات انگلیسی شماره قبلی کارگزار امروز درج شد و در این شماره ترجمه فارسی آنرا خواهید خواند.

سوزی و ایزمن: تاثیر پایان جنگ سرد بر مبارزه برای عدالت اجتماعی در نقاط دیگر جهان را چگونه می بینید؟

منصور حکمت: این اساسا در کوتاه مدت تاثیری منفی بر کار سوسیالیستی و جنبش سوسیالیستی داشته است. همینجا باید بگویم که من جزو آن سوسیالیستهای و کمونیستهایی هستم که هرگز بر این باور نبوده‌اند که بلوک شوروی کمونیسم را نمایندگی می کند و یا اقتصاد و جامعه سوسیالیستی در آن شکل گرفته است. با اینحال این واقعیت مانع از این نشده که تعرض امروز غرب در درجه اول کمونیسم بطور کلی و هر ایدئولوژی مدافع نوعی عدالت اجتماعی، برابری انسانها و نظیر اینها را هدف بگیرد. در کوتاه مدت، لاقلا، این موقعیتی دشوار است. آنچه در جریان است نه صرفا تعرضی به کمونیسم مدرن بلکه همچنین به ایده‌آل‌های قدیمی انسانی چون برابری، آزادی و حقوق بشریت است. اما این گذرا است. اغتشاش و ابهام و تقابلها و تضادهای جدید بوجود می‌آورد، اما شک ندارم که ما می‌توانیم این را از سر بگذرانیم.

سوزی و ایزمن: کاملا درست می‌گویند و روشن است که بسیاری در جهان با شما در این اعتقاد شریکند، از جمله ۲۵۰ میلیون مردم خود اتحاد شوروی که امروز می‌گویند آنچه داشته‌اند کمونیسم و سوسیالیسم نبوده است. اما این مساله وسیعتری را مطرح می‌کند. بعضی معتقدند که جنگ سرد بیش از آنکه بر سر خنثی کردن تهدید اتحاد شوروی باشد بر سر جلوگیری از گسترش سوسیالیسم در سطح جهان و بویژه در اروپا و ایالات متحده آمریکا بوده است. معنی حرف شما اینست که قدرتهای جهانی هنوز قادرند از سقوط شوروی بعنوان سلاح دیگری در زرادخانه شان برای حمله به ایده‌آل‌های استفاده کنند که شوروی بر مبنای آن پا گرفت اما قادر نشد آن را مادیت ببخشد.

منصور حکمت: این می‌تواند یک نتیجه کوتاه مدت سیری باشد که امروز در اروپای شرقی در جریان است. اما سوسیالیسم امروز، یا سوسیالیسم فردا، این امتیاز را خواهد داشت که نمی‌توانند بسادگی آن را با بلوک شوروی، که از نظر نظامی و غیره بلوک رقیب غرب بود، تداعی کنند. این سوسیالیسم عملا به شکل جنبشهای کارگری در خود کشورهای یا خواهد گرفت که امروز از قرار در مقابل "سوسیالیسم" بلوک شرق به پیروزی رسیده‌اند. این امتیاز را خواهد داشت که در ساختار خود این جوامع ظهور می‌کند و لاجرم نمی‌توانند، مانند گذشته، به سادگی یک "امپراتوری شر" از آن بسازند. بنابراین فکر می‌کنم در دراز مدت این موقعیت به سوسیالیسم طبقه کارگر، سوسیالیسم برابری طلبانه، سوسیالیسمی که علیه کار مزدی است و تجدید سازمان کل ساختار اقتصادی به نفع امحاء طبقات و سود و غیره را فراخوان می‌دهد، امکان خواهد داد که به جلوی صحنه بیاید و نقش برجسته‌تری به نسبت دوره جنگ سرد ایفا کند.

سوزی و ایزمن: ما امروز در این

موقعیت قرار داریم، که شما می‌گویند پدیده‌ای گذرا است، که ظاهرا ایدئولوژی بازار آزاد حتی در آن بخشهایی از شوروی و سایر نقاط که نه فقط منفعتی در بازار آزاد ندارند بلکه بشدت از آن زیان خواهند دید، به پیروزی رسیده است. کارگران شوروی بسیاری اوقات این را بصورت مکانیسمی برای فراتر رفتن از قدرت دستگاه اجرایی و وزارتخانه‌های می‌بینند که طی سالها آنها را سرکوب کرده‌اند. آنها بازار آزاد را یک تاکتیک می‌بینند و نه چیزی که واقعا بخواهند در آن زندگی کنند. سؤالی که من دارم نسبتا پیچیده است. با توجه به اینکه سقوط کمونیسم با سقوط ایده کمونیسم تداعی می‌شود، با توجه به اینکه زبان و کلام مبارزه برای رهایی، که می‌توانست کارگران را در سراسر جهان به سرنگونی نظام سرمایه داری قادر کند، بی اعتبار شده است، بنظر شما مبارزه مردمی که می‌خواهند جامعه عادلانه‌تر و برابرتری ایجاد کنند، جامعه‌ای که در آن اقتصاد در خدمت کل جامعه است و نه صاحبان وسائل تولید، در آینده چه شکلی پیدا می‌کند؟ با علم به اینکه استفاده از این زبان در آینده خیلی دشوار خواهد بود.

منصور حکمت: شیوه‌ای که مردم به ایدئولوژی و تئوری اجتماعی برخورد می‌کنند خیلی ایزکتیو و ماتریالیستی است. مساله اعتبار و بی اعتباری اینجا جایی ندارد. هر ایدئولوژی یا تئوری اجتماعی، اگر قرار است در مبارزات برابری طلبانه فردا جایی محوری داشته باشد، باید در تاریخ تفکر بشری ریشه داشته باشد. باید تدقیق شده باشد و به شکل کار شده و به اندازه کافی عمیقی بیان شده باشد. چنین تئورهای فی الحال وجود دارد و فکر نمی‌کنم بی اعتبار شدن سوسیالیسم نوع شوروی بتواند ابتدا بر این واقعیت که یک گرایش فکری در جامعه بشری موجود وجود دارد که با ایده‌هایی که مارکس طرح و تبیین کرده تداعی می‌شود، سایه بیاندازد. این پیکره تئوری انقلابی و برابری طلبانه آنجا هست و مردم این ابزار موثر برای تحول اجتماعی را دور نخواهند زد تا بلکه در چیزهای مبهمی که ممکن است در بسته بندی‌هایی با نام متفاوت عرضه بشود حرفی پیدا کنند. من فکر می‌کنم کلمات سوسیالیسم، کمونیسم و مارکسیسم دوباره، هنگامی که طبقه کارگر در غرب و شرق مستقیم تر با اقتصادهای بازار آزاد موجود رودررو قرار بگیرد، بدست گرفته خواهند شد. بشریت این ظرفیت را دارد که به تاریخ گذشته خود رجوع کند و آن را مورد تجدید نظر قرار بدهد، همان کاری که امروز دارد می‌شود. من در مورد این جنبه نگرانی‌ای ندارم.

نکته دیگر اینست که این به اصطلاح بی اعتبار شدن اینگونه مقولات پدیده‌ای است که بیشتر می‌شود در رسانه‌های رسمی و محافل روشنفکری مشاهده کرد. من این استنباط را ندارم که در درون جنبش طبقه کارگر سوسیالیسم چندان بی اعتبار شده باشد و یا مارکسیسم زیاد در موقعیت تدافعی قرار گرفته باشد. سوزی و ایزمن: تاثیر سقوط

متکی بودند. بی اعتبار شدن نقش دولت در اقتصاد بخشی از تعرض علیه شوروی بوده است. سوسیال دموکراسی توانسته آلتزاتیو اقتصادی‌ای که اینچنین وابسته به نقش فعال دولت در صحنه اقتصادی نباشد ارائه کند. بنظر من اگر بناست سوسیال دموکراسی اساسا نقشی بازی کند باید یک تجدید نظر اساسی در تفکر سوسیال دموکراتیک صورت بگیرد. امروز بنظر می‌رسد که، شاید بدلیل وجود یک عکس العمل عمومی علیه جنبه های افراطی تعرض راست، جایی برای احزاب چپ مرکز در زمینه دفاع از سطح موجود رفاه عمومی باز شده باشد. اما حتی همین نمی‌تواند بطرز موثری انجام شود مگر آنکه این احزاب علاوه بر اپوزیسیونیم تدافعی مدلی هم از حکومت خودشان بدست بدهند. بنظر من بدون اینها مکتبی در تفکر سوسیال دموکراتیک بر خلاف موجود در رابطه با پایگاه اجتماعی و تئوری سوسیال دموکراسی فائق بیاید، نقش زیادی ایفا نخواهند کرد.

سوزی و ایزمن: روی مساله بسیار مهمی انگشت گذاشتید و آن نقش دولت در اقتصاد است. اگر چیزی باشد که در سطح جهانی، از شرق تا غرب، کاملا بی اعتبار شده باشد، اقتصاد دولت گراست. در شوروی حتی جناح به اصطلاح چپ درباره دولت زدایی از اقتصاد صحبت می‌کند و یا بعبارت دیگر، سپردن وسائل تولید به کلکتیوهای کار و یا گروه های کوچک غیر متمرکز. این تلقی پیشین که نفس مالکیت دولتی نظام عادلانه‌تری را تضمین می‌کند، به نحوی از انحاء بی اعتبار شده است و امروز در غرب حتی احزاب کمونیست سابق، احزاب سوسیالیست، دیگر سخنی از ملی کردن وسائل تولید در مقیاس وسیع بزیان نمی‌آورند. آیا فکر نمی‌کنید که مارکسیستها بطور کلی باید در ایده نقش دولت و مالکیت دولتی تجدید نظر کنند و شاید بیشتر در چهارچوب عدم تمرکز به این مساله نگاه کنند؟

منصور حکمت: من عمری مارکسیست بوده‌ام و هیچ لحظه‌ای خود را بعنوان کسی که به نقش دولت در قبال مالکیت و یا مدیریت اقتصادی باور دارد شناخته‌ام. آموزش کلاسیک مارکسیستی از مالکیت اشتراکی و دخالت کلکتیو طبقه تولید کننده، و یا شهروندان بطور کلی، در پروسه تولید و تصمیم گیری سیاسی سخن می‌گوید. تنزل این ایده به دولت گرایی یکی از وجوهی بود که تجربه شوروی را از سنت مارکسیستی، یا آنچه من سنت سوسیالیستی کارگری می‌نامم، جدا می‌کرد. این بنا بر این برای مارکسیستهایی از نوع من گجی و ابهام ایجاد نمی‌کند. ما حتی قبل از این با وظیفه تعریف نظامی مبتنی بر مالکیت اشتراکی، و نه دولتی، روبرو بودیم. البته می‌دانم که نقش اقتصادی دولت محور تئوری اقتصادی بخش اعظم جنبش به اصطلاح کمونیستی بوده و تصور می‌کنم این جریانها به اغتشاش فکری شدیدی دچار شده‌اند. فکر نمی‌کنم نظرات درخشانی در میان نشان پیدا شده باشد.

ایده کنترل غیر متمرکز بر مالکیت، تا حدود زیادی خلاف توسعه تکنولوژیک عمل می‌کند. فقط تا جایی می‌توانید در کارها عدم تمرکز ایجاد کنید که قادر باشید به نحوی از انحاء از نو امور را در یک کلیت اجتماعی بهم مرتبط کنید. در غیر اینصورت برآورده کردن نیازهای متنوع انسانها ساده نخواهد بود. ما نمی‌توانیم به تصمیم گیری مقیاس کوچک بازگردیم و در همان حال سطح بالای تکنولوژی که امروز وجود دارد و برای رفاه مردم ضروری است را بکار بگیریم.

سوزی و ایزمن: یک جنبه واقعا مهم در بحث قابل اجرا بودن یا نبودن سوسیالیسم در آینده روشن تر کردن همین رابطه است. یعنی رابطه میان نیازهای یک اقتصاد مدرن که برنامه ریزی و ایجاد اتصال میان بخشهای مختلف اقتصاد را ضروری می‌کند از یک سو، و کنترل دموکراتیک در پایه از سوی دیگر.

کمونیسم بر هزادش، سوسیال دموکراسی و ایده سوسیال دموکراتیک، چیست؟ چرا که هر دو آنها کمابیش در یک دوره پیدا شدند و مخالف یکدیگر بودند. آیا سوسیال دموکراسی هم بخاطر بی اعتبار شدن کمونیسم صدمه می‌خورد؟

منصور حکمت: سوسیال دموکراسی هم ضربه می‌خورد چرا که به همان احکام اولیه‌ای متکی است که کمونیسم به شکل منسجم تری بیان کرده است. اگر شما کسی باشید که اعتقاد دارد جامعه در برابر فرد مسئول است و انسانها برابری انسان نمی‌تواند توجیهی برای شکاف های طبقاتی و محرومیت باشد، اگر شما به این ایدهها اعتقاد داشته باشید، و سوسیال دموکراتها هم تا حدودی و البته امروز به شکل رنگ پریده‌ای به آنها باور دارند، شما هم در این شرایط تحت فشار قرار می‌گیرید چرا که تعرضی که از راست صورت می‌گیرد علیه کمونیسم بعنوان یک فرقه یا ایدئولوژی خاص نیست، بلکه علیه مساوات طلبی در جامعه بشری است. این تعرضی است علیه هر ایده‌ای مبنی بر اینکه انسان می‌تواند آزادتر و برابر تر زندگی کند. اساس ایدئولوژی بازار اینست که هرکس به توانایی‌ها و امکانات فردی‌اش رها شود، بچنگد و جور عواقب آن را هم بکشد. سوسیال دموکراسی تا حدودی این را رد می‌کند و خواستار آنست که جامعه سهمی در مقدرات مردم داشته باشد. از اینرو، مادامکه چنین تعرضی از جانب جناح راست در جریان است، سوسیال دموکراسی هم تحت فشار قرار می‌گیرد.

سوزی و ایزمن: با توجه به اینکه تاریخ سوسیال دموکراسی به یک معنا با تاریخ کمونیسم شوروی بهم بافته شده است و به جدایی‌های بشقویکها و منشویکها در متن جنبشهای عظیم او ان انقلاب برمی‌گردد، و با توجه به اینکه سوسیال دموکراسی در اروپا در مسیری متفاوت در قیاس با کشورهای بلوک شوروی رشد کرد، کنسانی ممکن است نتیجه بگیرند که زوال کمونیسم به یک معنی پیروزی‌ای برای سوسیال دموکراسی محسوب می‌شود. و اینکه به این ترتیب منشویکها از اول حق داشته‌اند. با اینحال، اگر به سابقه دهه اخیر دولتهای سوسیال دموکرات مختلفی که در جنوب اروپا سر کار آمده‌اند نگاه کنیم می‌بینیم همه اینها صرفا سیاست عسرت "یا چهره انسانی" را به اجرا در آورده‌اند. بعبارت دیگر سوسیال دموکراسی، ولوبه یک معنی به نمایندگی طبقه کارگر، همان کاری را کرده است که مدافعان بازار آزاد می‌خواستند بکنند. یکی از نمونه‌ها و الگوهایست در مقابل کشورهایمانند لهستان، چکسلواکی، مجارستان و خود اتحاد شوروی قرار داده می‌شود مدل سوئد است. آیا بنظر شما سوئد یک موقعیت ویژه دارد و کلا در مورد نقشی که سوسیال دموکراسی در این زمینه می‌تواند بازی کند چه نظری دارید؟

منصور حکمت: سوسیال دموکراسی با ایده های خاص خودش به گذشته تعلق دارد. روندی در جهت جدایی سوسیال دموکراسی از جنبش کارگری یونیونیستی در جریان است. تا آنجا که بنظر من می‌رسد، مشکل سوسیال دموکراسی اروپا اینست که دارد از پایه اجتماعی سنتی تاکنونی خود جدا می‌شود بی آنکه بتواند آن را با چیز دیگری جایگزین کند. این یک جنبه مساله است. از طرف دیگر، ایده‌هایی که مدل سوسیال دموکراتیک بر آن استوار بود، هرچند تفاوتی میان این مدل در سوئد با مورد فرانسه یا انگلستان وجود دارد، همه بدرجات مختلف بر نقش دولت در اقتصاد

بنظر من این اساسا به مساله مالکیت گره می‌خورد. وقتی از مالکیت اشتراکی صحبت می‌کنید تلقی من اینست که بحث مارکس درباره خصلت اجتماعی وسائل تولید را مدنظر دارید. اما این عملا چطور اجرا می‌شود؟

منصور حکمت: بنظر من می‌رسد که تنها بدرجهای که سیستم اشتغال مزدی، یعنی سیستمی که در آن فرد نیروی کار خود را در اختیار موجودیتی خارج از خود می‌گذارد تا مورد استفاده قرار بگیرد، برجیده شود، می‌توان از مالکیت و کنترل اشتراکی سخن گفت. بنظر من چنین حالتی قابل تصور نیست که در آن مزد بعنوان یک مقوله پایه‌ای در اقتصاد باقی بماند و در همان حال قدرت تصمیم گیری در دست آنها که مزد را می‌پردازند قرار نگیرد. بنظر من اقتصاد سوسیالیستی باید اقتصادی بدون مزد باشد. اقتصادی که در آن نیازها به نحوی از انحاء ثبت می‌شود و واحدهای کار امر برآورده کردن این نیازها را آگاهانه بعهده می‌گیرند. این کار ممکن است و من با توجه پیشرفتهای عظیمی که در ارتباطات و سیستمهای کامپیوتری بوجود آمده به این خوشبین هستم که برای جامعه بشری دشوار نخواهد بود که از پیش نیازهای خود را برای مثلا یک دوره یکساله برآورد کند و تصمیم بگیرد که وظیفه تامین آنها برعهده چه کسی قرار می‌گیرد. این امکان پذیر است. اما برای تحقق آن، ما باید شرایط سیاسی لازم برای برچیدن رابطه مزدبگیری را بوجود بیاوریم.

سوزی و ایزمن: وجه دیگر مساله چطور؟ منظوم وجهی است که امروز همه در رسانه های رسمی در رابطه با شوروی از آن سخن می‌گویند، و آن اینست که آنچه در شوروی فروپاشیده است در درجه اول نه تولید بلکه توزیع بوده است. آیا بنظر شما توزیع در یک جامعه نوین متکی به دموکراسی بیشتر و کلکتیوهای کوچک تر که در آن کار مزدی برچیده شده باشد منبع مشکلاتی نخواهد بود؟ و جر همین رابطه، نیازهای مصرفی مردم چگونه قرار است محاسبه و واقعا برآورده شود؟

منصور حکمت: توزیع جوانب متعددی دارد. از لحاظ جنبه فنی توزیع، یعنی عملا، اشیاء تولید شده را بدست مصرف کنندگان مورد نظر رساندن، گمان نمی‌کنم مشکلی وجود داشته باشد. هیچ جامعه‌ای بخاطر ناتوانی‌اش در انجام این امر سقوط نکرده است. توزیع یک جنبه دیگر هم دارد. سؤال این است که اصولا از نظر تولید کنندگان کدام نیازها مشروعیت دارند. بعبارت دیگر، چه چیزهایی باید برطبق نیاز تولید و توزیع بشود. سازماندهی این امر هم دشوار نخواهد بود، زیرا نیازهای اجتماعی می‌توانند توسط افراد، کلکتیوها و واحدهای مصرف کننده و غیره آگاهانه ثبت و اعلام شوند. اما توزیع یک وجه ارزشی هم دارد که مشکل اصلی را تشکیل می‌دهد. توزیع کالاها و خدمات مشکل اصلی نیست. هر جامعه‌ای راهی برای این پیدا می‌کند. سؤال اینست که این ثروت به چه نسبت و درصدی باید میان مردم توزیع شود. بازار بصورت چشم بسته این نسبتها را تعیین می‌کند و شما هرگز کسی را نخواهید یافت که شخصا مسئول این وضعیت باشد که درصد بالایی از مردم، حتی در ایالات متحده آمریکا، زیر خط فقر زندگی می‌کنند. موجودیتی به اسم بازار این توزیع را انجام می‌دهد، عده‌ای را محروم می‌کند و عده‌ای را از امتیازات مادی برخوردار می‌کند. برای خلاصی از این وضعیت، برای برقراری توزیع متناسب با نیازها، باید موقعیت نابرابر و متفاوت انسانها در رابطه با تولید، یعنی اینکه کسانی مزد بگیر هستند و کسانی سود یا بهره می‌برند و غیره، را زیر سؤال کشید. باید به این تفاوتها خاتمه داد و انسانها

شرح کارگران گرسنه بر فراز مسکو

فقر به این درآمد جانی نیازمندند. اتحادیه‌های کارگری خواستار تامین حقوق اجتماعی کارگران بخصوص تضمین یک حداقل دستمزد و بیمه بیکاری هستند. رئیس اتحادیه کارگران مسکو "میخائیل اشماکوف" در طی سخنرانی‌اش در راهپیمایی ۲۳ اکتبر گفت: "اگر دولت فورا دست به کار نشود چاره‌ای جز اعتصاب برای ما باقی نمی‌ماند".

پس از کودتای اخیر و ممنوعیت حزب کمونیست و "ک.ک.ب" دیگر تقصیر همه چیز را به گردن "فاسدین و خرابکاران" انداختن مشکل شده است. در پارلمان دائما در مورد رفم و غیره صحبت می‌شود اما گوش مردم به این حرفها بدهکار نیست. "بوریس یلتسین" نیز که تا چندی قبل مورد توجه بود کاری نمی‌کند. او و گورباچف هر دو به این فکرند که چگونه با اعتصابات و قیام‌های آتی مبارزه کنند.

شده از: روزنامه فرانکفورتر ماو، چاپ آلمان

۲۳ اکتبر، ۵۰ هزار نفر در "مانزه" در مقابل کاخ کرمین تورم و کمبود کالا دست به تظاهرات زدند. تاکنون تظاهرات‌های بی‌شماری در مسکو برگزار شده است. این بار کسانی به خیابانها آمدند که کتف خود را کنار کشیده بودند. کارگران با فراخوان اتحادیه‌ها ایستادند.

اطلاعات مندرج توسط اتحادیه‌های تاکنون قیمت‌ها ۵۰ درصد افزایش یافته است در حالیکه افزایش زدها تنها ۵۵ درصد بوده است. وعده‌ها، بالا رفتن قیمت‌ها نه منجر به عرضه بیشتر کالا نگردید. عرضه کالاها نیز کاهش یافت.

برگزاری کنفرانس اتحاد کارگران اروپا

مرکز خبری کارگر امروز:

در روزهای ۱۶ و ۱۷ نوامبر به دعوت اتحاد کارگران اروپا در شهر "کوملو" واقع در مجارستان یک کنفرانس کارگری با شرکت بیش از ۲۰۰ نماینده از ۱۷ کشور برگزار شد. این کنفرانس پیشنهادت زیر را به تشکیل های کارگری اروپا ارائه داد.

۱ - تاسیس یک مرکز مبادله اطلاعات جنبش کارگری در شهر بروکسل یعنی در مقر جامعه اقتصادی اروپا. وظیفه این مرکز جمع آوری و ارائه اطلاعات، بررسی سیاست‌های ضد کارگری دولت‌ها و همچنین مبارزات کارگری است.

۲ - براساس پیشنهاد معدنچیان

سوسیالیسم و جهان پس از جنگ سرد

تولید اجتماعی را مانع شوند، یعنی اگر بیکارتان کنند، وضع از اینهم بدتر است. مکان شما در تولید مکان شما در مصرف را تعیین می‌کند. در سوسیالیسم چنین نیست. از بدو تولد این حق را بدست می‌آورید که مانند سایرین زندگی کنید و سوسیالیسم فرض می‌گیرد که هرکس آنقدر عقل سلیم دارد که از جا برخیزد برطبق توانایی و قدرت خلاقه‌اش سهمی در جامعه ادا کند. و بنظر من هیچ ربط اقتصادی و سیاسی‌ای نباید میان سهم انسانها در تولید با بهره مندی آنها از ثمرات آن وجود داشته باشد.

موقعیتی هم ارز در رابطه با قرار داد. این جوهر لیسم است. برانداختن حاکمیت به معنای یک موجودیت اقتصادی شهای اقتصادی متفاوتی به مردم می‌کند و بخشی را از بری مستقل وسائل تولید محروم د، چرا که این وسائل تحت و مالکیت کسان دیگری است. راجع به این مساله فکر کنیم. به ضرورت برانداختن سرمایه یک موجودیت اقتصادی می‌رسیم. اگر این انجام اصلاحات در ساختار اقتصادی جای نمی‌برد. ما باید رابطه سرمایه‌دار را الغاء کنیم.

سوزی وایزمن: به مسائل کنکرت زمان حال بپردازیم. بنظر شما جهان پس از جنگ سرد، بویژه در خاورمیانه که در تلاطم و بی ثبات بنظر می‌رسد، چه چهره‌ای بخود می‌گیرد؟

سوزی وایزمن: در مورد مساله میان کارگر هنگامی که تولید و هنگامی که مصرف می‌کند، گوئید؟ آیا بنظر شما میان دو کارگر بعنوان تولید کننده و مصرف کننده یک جدایی وجود دارد؟

منصور حکمت: بطور کلی تصور می‌کنم وارد دهه‌ای از اغتشاش و تضاد و رودرویی‌های اجتماعی شده‌ایم. برخلاف آنچه خیلی‌ها شاید یکی دوسال قبل می‌پنداشتند، که سقوط شرق و پیروزی بازار میسر یک دهه صلح و آرامش خواهد بود، بنظر من عکس این صحیح است و هم اکنون این قابل مشاهده است. فکر نمی‌کنم خاورمیانه برای مدت خیلی طولانی تری این جایگاه محوری را حفظ کند. مرکز ثقل بی ثباتی‌ها و اغتشاش در این دوره بنظر من خود جهان سرمایه داری پیشرفته است، زیرا بر قطب بندی‌های میان غرب و شرق متکی بود که امروز فرو می‌ریزد و بسیاری مسائل در خود جهان سرمایه داری پیشرفته باید از نو تعریف شوند. این نیروها و جنبشهای اجتماعی مختلف را به صحنه فرامی‌خواند و تقابلهای جدید ایجاد می‌کند.

منصور حکمت: حتی از نقطه نظر کلاسیک مارکسیسم پاسخ این روشن است. در یک جامعه لیستی شما برای همیشه و دائما کارگر پیدا نمی‌کنید. هنگامی توان تولید کننده در جامعه ظاهر یید کارگر هستید و بعنوان کننده یک شهروند. بعلاوه، کار می‌کنید همه مثل شما و دارند کمک می‌کنند تا تولید کنند و نیازهای خویش را ده کند. بنظر من میان مقدار دست کاری که فرد در تولید دارد با نحوه مصرف او نباید این ربطی وجود داشته باشد. کردن ثروتی که در جامعه تولید می‌کند، هر تکاپویی هم بکنید، ش معلوم است که فرزندان شما نت درستی نخواهند داشت، است از امراضی بمیرید که را نمی‌کشد و محتلا مسکن زیستی نخواهد داشت. این از به اعتبار نحوه‌ای که شما را در اجتماعی شرکت داده‌اند تعیین

در مورد خاورمیانه، مادام که بخاطر میراث دوره جنگ سرد غرب به اسرائیل گره خورده است معضلات زیادی وجود خواهد داشت. این پیوند از نقطه نظر اقتصاد سیاسی سرمایه داری غرب دیگر ضرورت خود را از دست داده است. شاید در مقطعی بندی اعراب و اسرائیل با قطب بندی شرق و غرب تطابق داشت. اما این دومی امروز دیگر وجود ندارد و لاجرم روند عادی شدن اوضاع در خاورمیانه و تبدیل آن به منطقه‌ای کمتر بحرانی و حساس در جهان، باید به جریان بیاقتد. بنظر می‌رسد که روند اوضاع در جهت ادغام بورژوازی عرب در پیکره اصلی جهان سرمایه داری و تضعیف قطب

سوزی وایزمن: آیا جنگ خلیج عاملی موثر در این راستا بود یا صرفا تقلایی بود از جانب آمریکا برای تعیین سیاست خود و خلاص شدن از شر کسی که می‌توانست بالقوه خطرناک باشد؟

منصور حکمت: علت وقوع جنگ هرچه بود، بهرحال تعرضی به وجوه ملیتات تر ناسیونالیسم عرب بود، که دیگر نه حتی یک پرچم ضد استعماری یا ضد امپریالیستی بلکه پرچم دول عربی در مطالبه سهم بیشتری در اقتصاد جهانی و ساختار سیاسی دنیا است. تا آنجا که جنگ جناح ملیتات ناسیونالیسم عرب را به انزوا راند، عملا این نتیجه مقابل را داشت که به بخشهای میانه رو همان جنبش امتیازاتی داده شود. شاید این هدف آگاهانه این سیاست بوده باشد. من شخصا هیچ دل خوشی از ناسیونالیسم در هر شکل آن ندارم، هیچ تلقی مثبتی نسبت به آن ندارم، و آنچه می‌گویم نباید به جانبداری له یا علیه این روند تعبیر شود. حرف من در اساس اینست که اگر بناست نوعی تعیین تکلیف و عادی سازی در خاورمیانه صورت بگیرد، جهان عرب باید حس کند که قربانی موجودیت اسرائیل و رابطه ویژه غرب و اسرائیل نیست. اگر این اطمینان خاطر داده شود، که البته یک اطمینان خاطر دیپلماتیک نیست بلکه باید خود را در ادغام اقتصادی جهان عرب و غرب، انتقال تکنولوژی و غیره نشان بدهد، منطقه از حساسیت کمتری برخوردار خواهد شد. تصور می‌کنم جنگ خلیج این تافیر را داشت که راهمایی برای سازش غرب و جهان عرب بگشاید.

سوزی وایزمن: گفتید که با هیچ شکلی از ناسیونالیسم توافق ندارید و من تماما با شما موافقم. اما هم اکنون که با هم صحبت می‌کنیم، ناسیونالیسم بنظر می‌رسد مساله اصلی در اروپای شرقی، مرکزی، شوروی و خاورمیانه عربی باشد. بنظر من چنین می‌آید که با سقوط ایدئولوژی‌های رقیب توجه مردم تماما به مساله ملت و مذهب معطوف شده است. کردها و نقشی که در کل این پروسه داشتند را می‌شود مثال زد. در یوگسلاوی شاهدیم که کار به درگیری مسلحانه و جنگ کشیده است.

منصور حکمت: این موج جدید ناسیونالیسم در اروپای شرقی بنظر نمی‌رسد پایه تاریخی محکمی داشته باشد. بیشتر بنظر می‌رسد آلترا ناپوی باشد که محافل حاکمه در این جوامع چور کرده‌اند تا چهارچوبهای ایدئولوژیکی برای کشورهایی که در شرف پیدایش است فراهم کنند. فکر نمی‌کنم اینها مبین اشکال بادوامی از جنبشهای ناسیونالیستی باشند. وقتی امر استقلال متحقق شود، شاهد این خواهیم بود که سایر گرایشات

منصور حکمت: استنباط من اینست که اوضاع در خود اروپا ابعادی انفجار آمیز پیدا نمی‌کند. اولاً، به این دلیل که بنظر می‌رسد کل اروپای غربی چنانچه اوضاع از کنترل خارج شود آماده دخالت است. ثانياً، کشورهای جدید در حال ظهور به نوعی پیوند و برسمیت شناخته شدن اقتصادی توسط غرب نیاز دارند و این قطعاً ترمزی روی حرکت و افراطگرایی‌های آنها می‌گذارد و بالاخره احتمالاً تجزیه شوروی از چنان شتابی برخوردار خواهد بود که مسائل ملی ادامه داری را که بتوانند مایه کشمکش ملی میان کشورهای درحال ظهور باشند باقی نگذارد.

منصور حکمت: این مساله کردها اشاره کردید. این مساله‌ای قدیمی است. در کردستان ایران و عراق تمایلات و اهداف ملی امروز با جنبش رو به رشد طبقه کارگر مواجه شده‌اند که چندان ناسیونالیست نیست. در واقع، بخصوص در بخشهای پیشرو خویش، دارای خودآگاهی و ضد ناسیونالیستی روشنی است و برنامه‌های سیاسی‌ای که در حرکتهای کارگری مختلف ارائه می‌شوند فاصله محسوسی با تمایلات ناسیونالیستی قدیمی دارند. اگر چیزی بتوان گفت اینست که تحولات اخیر، بویژه در کردستان عراق، نشان داد که ناسیونالیسم برای اولین بار از طرف یک جنبش کارگری که نیرویی محکم و کمابیش بانفوذ بنظر می‌رسد، زیر سوال قرار گرفته است.

فاشیسم، سوسیال دموکراسی و سوسیالیسم و غیره به جای صحنه می‌آیند و این اشکال ابراز وجود خالص ناسیونالیستی به حاشیه رانده می‌شود. این موج ناسیونالیسم بنظر من تبیین جدی تری را طلب نمی‌کند. اینها اشکال ابراز وجودی هستند برای ایجاد دولتهایی که فاقد چهارچوب ایدئولوژیک منسجم برای شکل گیری‌اند.

سوزی وایزمن: گفتید که تب و تاب ناسیونالیستی‌ای که ما امروز شاهد آنیم انعکاس یک سردرگمی عمومی است و وقتی مساله در جنبه ملی و کشوری حل و فصل شود معضلات اجتماعی قبلی دوباره سر بلند می‌کنند. من با این حرف مخالف نیستم. ولی شما فکر می‌کنید در طول این پروسه، از بالا گرفتن تب و تاب ملی تا تشکیل کشورها، چه وضعیتی بوجود می‌آید. چرا که بنظر می‌رسد اوضاع می‌تواند انفجار آمیز شود، بخصوص در شوروی و اروپای شرقی میان همه جمهوریهای ملی. در خاورمیانه هم به همین ترتیب مسائل ملی مختلفی وجود دارد، نظیر مساله کردها، که لاینحل مانده است.

منصور حکمت: استنباط من اینست که اوضاع در خود اروپا ابعادی انفجار آمیز پیدا نمی‌کند. اولاً، به این دلیل که بنظر می‌رسد کل اروپای غربی چنانچه اوضاع از کنترل خارج شود آماده دخالت است. ثانياً، کشورهای جدید در حال ظهور به نوعی پیوند و برسمیت شناخته شدن اقتصادی توسط غرب نیاز دارند و این قطعاً ترمزی روی حرکت و افراطگرایی‌های آنها می‌گذارد و بالاخره احتمالاً تجزیه شوروی از چنان شتابی برخوردار خواهد بود که مسائل ملی ادامه داری را که بتوانند مایه کشمکش ملی میان کشورهای درحال ظهور باشند باقی نگذارد.

منصور حکمت: استنباط من اینست که اوضاع در خود اروپا ابعادی انفجار آمیز پیدا نمی‌کند. اولاً، به این دلیل که بنظر می‌رسد کل اروپای غربی چنانچه اوضاع از کنترل خارج شود آماده دخالت است. ثانياً، کشورهای جدید در حال ظهور به نوعی پیوند و برسمیت شناخته شدن اقتصادی توسط غرب نیاز دارند و این قطعاً ترمزی روی حرکت و افراطگرایی‌های آنها می‌گذارد و بالاخره احتمالاً تجزیه شوروی از چنان شتابی برخوردار خواهد بود که مسائل ملی ادامه داری را که بتوانند مایه کشمکش ملی میان کشورهای درحال ظهور باشند باقی نگذارد.

منصور حکمت: این مساله کردها اشاره کردید. این مساله‌ای قدیمی است. در کردستان ایران و عراق تمایلات و اهداف ملی امروز با جنبش رو به رشد طبقه کارگر مواجه شده‌اند که چندان ناسیونالیست نیست. در واقع، بخصوص در بخشهای پیشرو خویش، دارای خودآگاهی و ضد ناسیونالیستی روشنی است و برنامه‌های سیاسی‌ای که در حرکتهای کارگری مختلف ارائه می‌شوند فاصله محسوسی با تمایلات ناسیونالیستی قدیمی دارند. اگر چیزی بتوان گفت اینست که تحولات اخیر، بویژه در کردستان عراق، نشان داد که ناسیونالیسم برای اولین بار از طرف یک جنبش کارگری که نیرویی محکم و کمابیش بانفوذ بنظر می‌رسد، زیر سوال قرار گرفته است.

منصور حکمت: استنباط من اینست که اوضاع در خود اروپا ابعادی انفجار آمیز پیدا نمی‌کند. اولاً، به این دلیل که بنظر می‌رسد کل اروپای غربی چنانچه اوضاع از کنترل خارج شود آماده دخالت است. ثانياً، کشورهای جدید در حال ظهور به نوعی پیوند و برسمیت شناخته شدن اقتصادی توسط غرب نیاز دارند و این قطعاً ترمزی روی حرکت و افراطگرایی‌های آنها می‌گذارد و بالاخره احتمالاً تجزیه شوروی از چنان شتابی برخوردار خواهد بود که مسائل ملی ادامه داری را که بتوانند مایه کشمکش ملی میان کشورهای درحال ظهور باشند باقی نگذارد.

چنین خواهد بود. در کردستان اینطور است. در کردستان قطعاً دیر یا زود، و هم اکنون علام آن پیداست، اختلافات طبقاتی مساله ملی و مبارزه ملی را تحت الشعاع قرار خواهد داد. در اروپای شرقی مطمئن نیستم. این به فاکتورهای متعددی بستگی دارد که امروز شناخت کافی برای قضاوت آنها را ندارم.

سوزی وایزمن: شما یکی از بنیانگذاران جنبشی هستید که حزب کمونیست ایران نام دارد و من می‌خواهم بدانم، با توجه به سقوط احزاب کمونیستی در سراسر جهان، آیا می‌خواهید نامتان را عوض کنید یا فکر می‌کنید باید هنوز این نام را نکه دارید؟

منصور حکمت: ما این فشارهای امروز را پیش از این، سه سال قبل در کنفره سوم حزب، پیش بینی کردیم. آنجا ما گفتیم کمونیست هستیم. همیشه منتقد چیزی بوده‌ایم که آن را سرمایه داری دولتی شوروی می‌نامیم. هرگز پرو - چینی نبوده‌ایم و هرگز حتی به این بلوکها نزدیک بنظر نیامده‌ایم. سقوط این بلوکها، به اعتقاد ما، حقایق ما را در برابر احزاب وابسته به آنها نشان می‌داد. اما این را هم می‌دانستیم که این سقوط روی ما هم فشار می‌آورد چرا که جهان آن را از این دریچه نگاه نمی‌کند. این فروپاشی تحت فشار جناح راست جامعه غربی رخ داده است و لاجرم به فشاری بر سوسیالیسم بطور کلی منجر می‌شود. در واقع آنچه ما تضمین کردیم این بود که در طی سه سال اخیر حزب ما چون یک نیروی مارکسیست و کمونیست مصمم بایستد. ما این را تضمین کردیم. امروز من، همراه تعدادی رفقا، در جریان خروج از حزب کمونیست ایران هستیم تا بر مبنای مباحثاتی که در ۴ - ۵ سال اخیر در باره سوسیالیسم کارگری، در تقابل با سوسیالیسم طبقات دارا و جنبشهای به اصطلاح سوسیالیستی، داشته‌ایم، یک سازمان کمونیستی حتی محکم تر و اصولی تر ایجاد کنیم.

منصور حکمت: استنباط من اینست که اوضاع در خود اروپا ابعادی انفجار آمیز پیدا نمی‌کند. اولاً، به این دلیل که بنظر می‌رسد کل اروپای غربی چنانچه اوضاع از کنترل خارج شود آماده دخالت است. ثانياً، کشورهای جدید در حال ظهور به نوعی پیوند و برسمیت شناخته شدن اقتصادی توسط غرب نیاز دارند و این قطعاً ترمزی روی حرکت و افراطگرایی‌های آنها می‌گذارد و بالاخره احتمالاً تجزیه شوروی از چنان شتابی برخوردار خواهد بود که مسائل ملی ادامه داری را که بتوانند مایه کشمکش ملی میان کشورهای درحال ظهور باشند باقی نگذارد.

منصور حکمت: این مساله کردها اشاره کردید. این مساله‌ای قدیمی است. در کردستان ایران و عراق تمایلات و اهداف ملی امروز با جنبش رو به رشد طبقه کارگر مواجه شده‌اند که چندان ناسیونالیست نیست. در واقع، بخصوص در بخشهای پیشرو خویش، دارای خودآگاهی و ضد ناسیونالیستی روشنی است و برنامه‌های سیاسی‌ای که در حرکتهای کارگری مختلف ارائه می‌شوند فاصله محسوسی با تمایلات ناسیونالیستی قدیمی دارند. اگر چیزی بتوان گفت اینست که تحولات اخیر، بویژه در کردستان عراق، نشان داد که ناسیونالیسم برای اولین بار از طرف یک جنبش کارگری که نیرویی محکم و کمابیش بانفوذ بنظر می‌رسد، زیر سوال قرار گرفته است.

منصور حکمت: استنباط من اینست که اوضاع در خود اروپا ابعادی انفجار آمیز پیدا نمی‌کند. اولاً، به این دلیل که بنظر می‌رسد کل اروپای غربی چنانچه اوضاع از کنترل خارج شود آماده دخالت است. ثانياً، کشورهای جدید در حال ظهور به نوعی پیوند و برسمیت شناخته شدن اقتصادی توسط غرب نیاز دارند و این قطعاً ترمزی روی حرکت و افراطگرایی‌های آنها می‌گذارد و بالاخره احتمالاً تجزیه شوروی از چنان شتابی برخوردار خواهد بود که مسائل ملی ادامه داری را که بتوانند مایه کشمکش ملی میان کشورهای درحال ظهور باشند باقی نگذارد.

On Totonto transport strike

Interview with Angelo Stellato

The end of the recent Toronto transport workers' 8-day strike was followed by a wave of dissatisfaction with the present union leadership - the Amalgamated Transit Union (ATU) - with calls being raised for its replacement. Angelo Stellato, from the union's Local 113, is among the activists bracing up for the upcoming election and for change in the leadership. Amir Payam, *Worker Today* co-worker in Canada, talked to Angelo Stellato about the strike and related issues. Excerpts:



Worker Today: Could you explain what happened during the 8-day TTC strike?

Angelo Stellato: What generally happened was trying to keep the issue of part-time workers at rest. We feel in TTC that we don't want part-timers, particularly in the driving field. There is a threat to the full-time jobs, whether it be part-time employees, contracting out or summer-help. We just feel threatened by that; we want to keep the full-time jobs alive and well and keep on going that way.

WT: What were your demands and slogans in the 45-day slow-down in 1989, and did you achieve those?

A.S.: I think we partly achieved it back in 1989. The 45-day slow-down, I would say we accom-

plished it because that was the first time the company introduced the big push for part-time employees. And we sent a clear message to the management saying that we didn't want it and that we were going to show that. We inconvenienced the public, which was a shame, but we had to bring our voice out to the public, out to management and just say to them clearly that we didn't want it.

WT: Why is the part-time issue so important for the TTC workers?

A.S.: Particularly the TTC workers, as I said before, we feel that it is threatening to the full-time employees. But I think it is not just TTC workers; I think it is everywhere. To maintain the quality of work we have today, and the quality of employees, I

think we have to do that with full time people.

WT: During the strike public opinion was so confused that nobody knew what you really wanted. Why didn't your leadership try to inform the public about your demands?

A.S.: That's a hard question to answer. I really can't speak on behalf of the executive that were in office at that time, but I would say one thing, they should have made some people more aware than what was actually done. A lot of people did not know what was going on. All they saw was we were getting our 4.9% and they couldn't understand why we were on strike. Well, it was more than a money issue. The real issue was about part-time working. They called it summer-help this time, but we didn't want it there.

WT: The union recommended management's offer to the workers, but the majority voted against it. How did the workers organise themselves for this opposition?

A.S.: I think they organised each other by making each other aware of what the contract meant, and their interpretation of what it meant. There was a lot of in-house talk amongst the employees themselves, and I would say it was effective enough to be as an organising medium.

from page 12

Open letter...

rope generally do not like fascism and have done a lot to stop this menace.

But the terrifying reality about the rapid growth of fascism shows that your past and present policies in this respect have been either wrong or ineffective. Such a failure can end once again, like the thirties, in the likes of Mussolini, Hitler and Franco coming to power. They have already entered the European parliaments!

In order to stop the working-class youngsters becoming fascist thugs, one has to show them the real causes of the unemployment and the mounting social misery. This means a very clear and unambiguous exposition of the nature of "native", as well as international capitalism and capitalists. Without a clear anti-capitalist content, the anti-fascist education will be useless.

One must expose the violent and inhuman nature of nationalism, no matter to which group of people it belongs, and advocate socialist internationalism. Unfortunately, these elements have been very weak, if not absent, in your mass propaganda and publications.

Fascism kills and burns now!

It is equally wrong to hope

education, even the correct one, can we effectively put an end to this menace. The fascists and racists are burning our homes and killing our children now! Something very practical has to be done now! Protest strikes for every fascist attack, and material help and protection for the victims of these crimes are needed.

Some thugs have organised and equipped themselves to kill us. If they succeed, then they will turn to "native" socialists and trade unionists. We, and anybody who fears racial and national genocide, should also get organised and equipped. The fascist groups and organisations must be driven out of localities and where people live. This campaign is very vital and, frankly speaking, without your help it would not have the teeth to bite. Do not forget, the police and state institutions have already shown that they lack the necessary will and determination to do this job.

We are a part of you

We are not only refugees and immigrants. Whether employed or unemployed, most of us are workers and belong to the same international class as you do. We are the first in the row who fall target for fascists' attacks, but by no means are we their only targets. As Bertolt Brecht, the German socialist poet and writer, once said, after the Jews the fascists will hunt the socialists,

trade unionists and anybody else who stands on their way. The bloody experience of the thirties proved his words to be true.

We are not only worried about ourselves and our families, but also hate to see our international class once again defeated, its militant organisations banned and its leaders put to chain. Your future is our future too.

Capitalism has unleashed the most reactionary forces and trends to make this future a very exploiting, suppressive and bloody one for all of us. Nationalism and fascism, militarism, Machiavellism, religious superstitions, the CNN-type thought and information control, cutting wages, curbing unions' rights and activities and... are all used to mould the future according to the interests of the capitalists.

Only an international socialist practical solidarity can stop them and create a free, equal, prosperous and peaceful future for all of us and the coming generations. In this international struggle our heart and soul is with you.

Farhad Besharat
Secretary of the International
Federation of
Iranian Refugees and Immigrants Councils

November 1991

Address: Hambastegi, Box
240, 126 02 HÄGERSTEN,
SWEDEN

WT: Why did some workers call on the present leadership to resign? And is it possible that they will be replaced by the new leadership in the next convention?

A.S.: I would say yes, a good percentage of them, probably 90% of them, will be replaced in our upcoming election. Why they asked for their resignation, I would speculate in saying that a lot of them were not pleased with the people in power. Because of the lack of communication, a lot of the members heard more from the media than they actually did from the executive, and a lot of people got very upset about that. When we found out about some of the issues, of course they were upset and they called for their resignation. They feel that they were left out in the cold.

WT: If a new leadership is elected what changes do you expect for the union?

A.S.: I am hoping, if a new leadership gets in there, that a better line of communication is opened up between the members and the executive, and vice versa. It is an important part. I would like to see some better education system, like the CAW [Canadian Auto Workers] - the way they have their paid education leave. I would like to see our members more involved because I feel right now they need to know more about what is going on in the union. It's very important; the members are the strength. And if you don't tell them the proper things and lead them in the right direction, your union won't be strong. The union has to be strong by the members' support. If

you don't go by the members' wishes you will be in serious trouble.

WT: As you know the government at the provincial level are trying to take away the right of strike.

A.S.: I think it is a very big threat to the unions, something that we have fought for for years and years, i.e. to have the right to a collective agreement and to have the right to go to the process and negotiations of the collective agreement. Now if you take that right away and say that we can't strike, well how do we bring our point across? It will be very hard to fight for demands when you don't have the ultimate right to be in a legal strike position. You have to have that as a final recourse. I guess when it comes to the final say, the ministry of labour says we have a certain date that we are in a legal strike position, but if legislation tells us we can't go on strike, then it's useless, we have lost a lot of power.

WT: As you know, back-to-work legislation is a main problem for the whole labour movement in Canada. How do you think the labour movement should fight against that?

A.S.: Well, we're going to let all the unions know what is going on, and you can't just let them single out one or two unions to stop them from striking. You are going to have to get all of the unions involved, and have their people send a clear message to the members of parliament to say, you can't interfere with that process, it is law, we should keep what we fought for over the years.

In the Persian Section

The Persian section of this issue includes:

- 19-day French Renault strike ends - report
- High price, cheap carpets: trading children in the Indian carpet industry
- Socialism and the post Cold War world
- Mansoor Hekmat in interview with radio KPFK in California
- Workplace report: workers of a construction materials plant in Iran talk about conditions
- On issues of the labour movement in Iran: interview with labour activists Ebrahim Sadeghi and Fahimeh Yazdanparast
- Why are you, afraid of the formation of

drivers' union? - Interview with truck drivers in Iran taken from the publication of the Transport Industry

- Swedish oil-tank drivers' strike - report
- Victory for the textile and clothing workers in the US - report
- Child work in Germany
- The spectre of starving workers over Moscow
- Conference of the European Workers Alliance in Hungary
- Disease of modern capitalist society - letter to the editor.

News of workers' struggle around the world are published in more detail in the Persian section.

Subscription Form

I would like to subscribe to *Worker Today* for a period of

Six months One year

Please send my *Worker Today* and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution _____

Address _____

Postcode _____ City _____ Country _____

Send the filled form to WT address:
WT, Box 6278, 102 34 Stockholm, SWEDEN

NOTE! In the USA and Canada send to:
WT, PO Box 241412, Los Angeles, CA 90024, USA

Subscription Rates

Europe:		Elsewhere:	
1 Year	SKr120	1 Year	SKr180
6 Months	SKr70	6 Months	SKr100

■ Institutions double the rate.

■ All prices include p&p.

Challenges facing Canadian workers

Interview with Jean Claude Parrot

Jean Claude Parrot is the national president of the Canadian Union of Postal Workers (CUPW). Fateh Bahrami, *Worker Today* co-worker in Canada, talked to Jean Claude Parrot about the current phase of the postal workers' struggle for job security and pay increases, as well as a number of issues internationally. Excerpts:



Worker Today: On October 28, after a few hours of national strike, the postal workers went back to work. Could you tell us about the result of the negotiations and about the agreement?

Jean Claude Parrot: We obviously found an employer in this round of negotiations that was not ready really to renegotiate with us. The government, by ensuring that there was going to be a back-to-work legislation, made it that Canada Post did not really ever negotiate in this round of negotiations. Some progress was made during the mediation phase, but after the judge left, they obviously made sure that an agreement was not possible. Because of that, we decided to go back on strike again and the membership was very solid across the country. The only thing is when we succeeded to get an amendment to the legislation and the commitment from the ministry that the wage package that was agreed to between the parties was going to be implemented right away, we decided to go back to work.

We are in this situation now where they are renegeing on the commitment made by the ministry of labour. It is a very unfortunate situation that has forced us to attack the ministry of labour, but also to go to all members of parliament and say that you were misled when they gave a fast passage of the legislation. Because that fast passage was on the basis that the CUPW was satisfied with the amendment and of the fact that the wage increases were going to be implemented right away. The Senate was also misled.

In the mean time it is going to take a lot of time to have better labour-management relations. But it is obvious that the management that is there today is greedy, they want everything, they want blood, they want everything we've got, and they are not even hiding it. They are just trying to make sure that anything you can get they will take.

For the union, I think we are still very solid, but it is a difficult time we are going through with the attitude of the management.

WT: Job security was an important demand of the CUPW, but it has not been accepted by the employers. What was the reason, and how is this related to privatisation?

J.C.P.: Job security was offered to us just prior to the strike, for job security within 40Km. After we went on strike, they decided, as a measure of reprisal against the workers, not to provide for job security to everybody but to those who were there at the signing of the previous collective agreement - about four years ago. Since that

junior employees not being covered by the full job security within 40Km. On the other hand there is a job security in the bargaining unit, but it could be displaced anywhere in the bargaining unit. So on that issue we are still very close to a settlement.

I believe the issue of privatisation is one that gives rise to not filling the vacant positions. So you end up in a situation where you don't have enough staff, that is why you got so many casual labour in the post office. That is the approach they are taking. On the one hand, they are giving you job security and, on the other, they don't fill the position and use casual labour, who work sometimes for several years where they are not covered by other protection of the collective agreement.



CUPW Toronto local president, Kolomper

WT: During the strike the employers fired many workers, including Andre Kolompar the Toronto Local president. Could you tell us what the union is going to do in defence of the rights of these workers?

J.C.P.: The difficulty is that there has been no back-to-work agreement. This is what you normally do at the end of a dispute when the two parties negotiate a back-to-work agreement which normally deals with all the firing or suspensions that may occur. In this case, with the back-to-work legislation that was used, we did not have a chance to negotiate such an agreement. So we don't have one right

and we will do everything we can to represent them properly and make sure we are going to have a fair hearing. But it is not the way it should be; it is all just abuse of power by the government and Canada Post to make some people victims of the system. We are going to do everything we can to protect everybody and see how the process will go.

WT: Back-to-work legislation has been used against the CUPW three times. In fact they deny the right to strike by this law. Could you explain how the labour movement should confront it, and also how it is possible to change these anti-worker rules so as to protect workers' rights?

J.C.P.: I think the labour movement will have to organise something a lot stronger than what has been done through the years. When we look at all those special legislation adopted from time to time - and not just in the case of postal workers - I think this government is just there to pass the legislation. Obviously one other thing we have to do is get rid of the government, but also, as a labour movement, we are going to have to develop different approaches on how we are going to deal with that in the future. In reality it is not the right to strike that has been denied, it is the right to negotiate. Without the right to strike, in my opinion, we don't have the right to negotiate. We have seen that in our case in this round of negotiations, but we also saw it in 1978.

Also I believe that you need to expose the abuse of power of this government to the population. We have to develop approaches at the bargaining table that shows to the people that what we are trying to do would benefit everybody not just a small group of workers.

WT: How do you see the work of building up the international unity of the workers? How is this possible and what is the role of the radical workers' leaders in this?

J.C.P.: I think at the international level it is true that the whole corporate sector have been successful in arranging the system which now bypasses any national level, any country. Because of that I think for a labour movement it is very important that we get closer links with the other people all around the world. There are already international organisations that exist that can be used to that effect; the postal workers for example, we belong to an international organisation that involves over 100 countries around the world. It is the same with other parts of the labour movement. We are going to have to build up a stronger participa-

we have a strong voice in the international organisations today. And it is very important that we use our strong voice to try to build up stronger ways of supporting each other internationally, but also to address the problems that we are facing: how we are going to make sure that we are not going to see workers in one country competing with the workers in another country.

We need to organise struggle in favour of unionisation everywhere. In Canada we have a level of organisation for example which is a lot stronger than the United States. But we are also a victim of that, in the sense that now they are trying to de-unionise the workforce in Canada, so we can be at the same level as the United States.

WT: The current developments in the Eastern bloc and the Soviet Union, which started a few years ago, have finally ended with the collapse of the state capitalism in the East and the victory of western capitalism and market. What is the effect of these developments on the working class around the world?

J.C.P.: I think it is hard to know all the impacts that this will have on the workers around the world. My hope is that this will lead eventually to a situation where you will not have the extreme, but you are going to have a real effort to see a better world, in the sense that social issues may end up being addressed a lot more seriously.

It is true that we see the developments now in the Eastern countries being changed considerably, and every time I speak to people in those countries I always say I hope the changes are not going to be turned into a right-wing capitalist system; I hope you are going to look into your background. At least the reason of being a Socialist country is that you wanted the workers to share in the wealth. This still has to be an objective which is relevant and, whatever the system, we should all the time try to make the system become one that puts the social needs of people ahead of profits, ahead of a few people putting everything in their pockets and leaving nothing for the others. To do that, is not going to be easy for us, but that's why we have to develop the importance of the social measures that need to be taken to protect the rights of the people, to protect the right of being a human being instead of just a machine.

WT: The governments in the West declare the collapse of the Eastern bloc as the failure of socialism. In fact they publicise against any idea of equality, stepping up their class war against the workers. What is your view on this and what should the working class do against this worldwide attack?

J.C.P.: I think we ought to show that when they say that the Socialist system has collapsed in those countries; let's not forget that in every country their system is also collapsing by their loss of control. The government today cannot decide that they will adopt such and such a policy without the system making it almost impossi-

good for all the people. And there are countries where the people are exploited so much that they don't even have decent conditions and decent wages, showing that the capitalist system is not successful at all. It may be successful from the point of view of the corporate sector, who put the profits in the pockets, but I don't think it's successful from the point of view of what they are doing for the people. In the US we have millions of people who are not covered by Medicare or any other social programmes like this. At the level that they are talking about for Canada is to match that one in the United States. What they are telling us is that the capitalist system means that we should have more poor people in our country, less education, less protections if you get sick, hand capped, etc.

I think one day people will talk around - hopefully it will be sooner than later - and we are going to make it clear to our government what we want. And the best way to show that is by electing people who will be willing to stand up against the system, and in favour of better social protections. This is obviously very political, but the labour movement has a very strong role it can play in the political field right now, and we are going to have to play that role.

WT: With the collapse of state capitalism in the Eastern bloc countries and of any kind of non-worker socialism, I think today more than any time the working class needs to think about its own power to stop capitalism and exploitation.

J.C.P.: I think we have a role to play to develop leaders, to develop people that would be able to communicate with others: Because it is obvious that the power of the workers is there, the power of the people is there, it is just that it is not being used to the benefit of the people. People have difficulty to believe they can change things. This is very unfortunate. I believe we can change things, but in order to do that there is a lot of work that has to be done. We are dealing with something that is big and it is not going to be easy. But if people unite together, against the system and in favour of better justice, better protections, better rights, there is no system that can take them out. For that you need to develop leaders that are willing to be on the forefront and come out and explain those things.

Our system today is not encouraging people to get educated; you get manipulated by the media. We have to find a way to have people to learn, to understand and to be interested. I know so many people will see it as being very unrealistic or ideologist, or whatever, but if you don't have ideas I don't know how. The corporate sector have an ideal and an ideology, and their ideology is to make as much profit as we can at the cost of the people. If we don't have an ideology ourselves, we will never be able to turn it around; we are going to get worse, because it is nice to talk about people saying well, in the Eastern bloc people didn't have anything, etc, but I tell you if you scratch the surface of what you see in this country, you will find

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Page 12, Vol. 2, No. 20, December 1991

صفحة ١٢ - سال دوم، شماره ٢٠، آذر ١٣٧٠

IN BRIEF

Botswana

The Botswana authorities have sacked around 150,000 government and public sector workers after a strike in early November for a wage increase. According to the Financial Times (8 Nov.), the workers struck to demand a 154% pay rise agreed to by the union and the government in October.

USA

650 members of the Amalgamated Clothing and Textile Workers union in Georgia won their first union contract after a three-year battle against S. Lichtenberg & Co., a drapery manufacturer. According to *Labor Notes* (December 1991), the agreement forces the company to rehire 200 workers who were illegally fired for union activity, and pay full seniority and back pay totalling \$1m.

India

A one-day nationwide industrial strike called by six trade unions on 30 November brought work to a halt in many state industries and services throughout India. A union spokesperson described government policies as anti-labour and a sell-out to the IMF.

Sweden

Since October, thousands of oil tanker drivers in Sweden have been staging regular one-day warning strikes every Friday for a pay increase. The Transport Union has refused to go by a national "stabilisation contract" which the central trade union confederation (LO) agreed to last year under the Social Democratic government.

Following raids by Islamic Republic authorities,

Labour activists arrested in Iran

WT News Service:

Since the summer of 1991, the Iranian government has stepped up its persecution and arrest of labour activists in the city of Sanandaj in western Iran. The persecutions are part of the wave of arrests of worker activists in Sanandaj which the government has been carrying out continuously over the past two years. The latest detainees include two workers by the names of **Saeed Hosseini** and **Zahed Manouchehri**.

According to a report by the Communist Party of Iran, the detained workers are being held incommunicado, with no information being let out about their condition.

The report goes on to mention that Saeed Hosseini, a welder, has been an activist of the Sanatgar Union and was among the speakers of the independent May Day rallies held in Sanandaj over the last few years. Zahed Manouchehri is a garment worker and has been an activist of the Tailors Union and was among the organisers of Sanandaj May Day rallies.

Expressing its concern over the dangers threatening the lives of Saeed Hosseini and Zahed Manouchehri, the report calls upon labour organisations worldwide to exert pressure on the Islamic Republic to prevent it from using violence against the detained workers, and to work for their release.

S Africa: Millions strike against tax rise

WT News Service:

Millions of people in South Africa staged a general strike on November 4 in protest against the imposition of a 10% indirect tax, in the largest strike in the country's history.

According to a report in the Financial Times (Nov. 5), the Congress of South African Trade Unions (COSATU), the largest trade union federation, said 3-4m people stayed away from work - 70-80% of the industrial workforce.

In the first day of the two-day strike 15 miners were killed in a gold-mine in the Orange Free State, and tens of others lost their lives in further clashes in the following week.

The strike, called by Cosatu and

the ANC, was also supported by the Pan Africanist Congress and its affiliated trade union, the National Congress of the Trade Unions (NACTU). Jay Naidoo, Cosatu general secretary, said anti-apartheid groups had won an "overwhelming vote of support" in what was "almost a referendum", according to the Financial Times. He demanded that the government enter immediate negotiations with the trade unions, the ANC and other anti-apartheid groups on economic policy, threatening further mass action.

According to Reuter, 20 political organisations and groups in South Africa agreed on 30 November to hold joint talks on the Constitution.

Open letter to European workers, union leaders and anti-fascist militants

By **Farhad Besharat** secretary of the *International Federation of Iranian Refugees and Immigrants Councils*

Europe has been hit once again by the malaise of fascism. The event of only past few months have vindicated this bare fact beyond contention. 700 arson attacks on houses and camps of refugees and immigrants in Germany, as well as many similar incidents in France, Italy, Denmark and Sweden, together with parliamentary and democratic victory of outright racist political parties in most European countries show that fascism is not a future possible danger, but a living and powerful menace in the present Europe.

Refugees and immigrants: the scapegoats

wages, deterioration of social security and welfare system are the breeding grounds of fascism. But the capitalists, their politicians as well as the fascists themselves try to put the blame on anything but the above factors.

If we do not work, they will accuse us of living off the taxes paid by the employed Europeans. If we work, then they claim we have stolen the job opportunities of unemployed Europeans. You know well that we, like yourselves, have not stolen anybody's jobs. Any person who works, produces much more than what he consumes. The very patriot and nationalist capitalists, who in pursuit of more profit close

are the ones who are stealing jobs and cutting down the livelihood of many.

In Germany, they blame the previous regime in the east for the rising unemployment and fascism, concealing the fact that in France and Sweden, which never had such a regime, too, exists unemployment and fascism. They would do anything to conceal the capitalist nature of the present social miseries. We are the scapegoats.

A few frank words with union leaders

The only social force capable of effectively combating fascism is the working class. This we know. We also know that the present workers organisations and trade unions in Eu-

CAW local condemns violation of workers' rights in Iran

WT News Service:

In a letter of protest to the Iranian government representatives in Canada, the Human Rights Committee of the Canadian Auto Workers (CAW), Local 27, expressed its support for the struggle of the Iranian workers, strongly condemning the anti-labour policies of the Islamic Republic government. The following is the text of the letter, signed by Subhi Alwan, chairperson of the Committee:

On behalf of the Human Rights Committee of the Canadian Auto Workers Union, Local 27, I wish to express my deep concern about the problems that the working class are facing every day in Iran. We, as Canadian workers, strongly condemn the violations of workers rights in Iran and the anti-labour policies of your government.

We condemn the draconian labour legislation of Iran which treats the working class like slaves and does not recognize their rights to withdraw their labour power in order to achieve fair wages and better working conditions.

We call upon the Iranian government to put an end to its continuous violations of internationally recognized labour rights. Should you continue to ignore the rights of Iranian workers, we will request from (ILO) to expel the Iranian regime from this conference.

In closing, we support the struggles of our Iranian brothers and sisters to achieve the labour rights that would safeguard their dignity and freedom.

Police move in to break Renault strike

WT News Service:

The strike at Renault's car plant in Cléon in France which began on 17 October, ended after police moved in to disperse the picket lines, reports Sara Aslani, *Worker Today* correspondent in France.

For almost three weeks the strike dominated the current issues in France. It began over demands for a pay rise of 1500 francs a month and the payment of an outstanding profit-sharing benefit. The feeling of indignation among the workers was running so high that, as one striker put it, it was initially the workers who pushed the union forward and not the other way round.

Picket lines were set up at the plant gates all throughout the strike, blocking entry and exit of people and trucks. The strikers made it clear that the picket lines would stay as long as management refused to talk to the workers' representatives. The management, on the other hand, had made the opening of talks conditional on the lifting of the picket lines.

During the strike, the CGT, which was leading the strike with

the backing of the CFDT, was target of a campaign of propaganda and tirade by the Renault management, government and mass media. "A provoked band passing off as union which wants to bring Renault to its knees by an illegal and aggressive action", "We will not bow to the terrorism of those who have learned nothing from what happened in the East", were some of the abuses hurled at the strikers and the union.

Solidarity with the strike was expressed, among others, by the metallurgical union of Brazil. The workers in other Renault plants and the industries nearby also expressed support.

After the police action, an agreement was drawn up by the unions and the management which called for only a 224 franc benefit rise and a payment of 1,000 francs after workers return to work. The majority of workers at a meeting was against returning to work, despite union recommendation. The agreement was finally signed between the management and three unions. An earlier decision to fire six workers was also withdrawn.

• Challenges facing the Canadian workers

Jean Claude Parrot, national president of the postal union, talks to *Worker Today* p.11

• On the Toronto transport strike

Angelo Stellato, from the transport workers' union local, talks to *Worker Today* p.10